



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران  
[www.afsaran.ir](http://www.afsaran.ir)  
سال چهارم - شماره ۳۶  
سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۵

امنیت خودکامگی  
ابر قدرتی به نام مردم  
فرانسه؛ داعش الجزایر  
سازوکار یک جامعه ایمانی

مصاحبه با آقای مجتبی شاکری (عضو شورای شهر تهران)

چشم‌انتظاری رسم جهان شده است  
از آن هنگام که غفلت، عادت مردمانش شد  
و نگاه نورانی شما منتظر ترک این عادت ویرانساز  
کجایند آنانکه شور خلیفة‌اللهی فطرتشان تا کنگره عرش صغیر می‌کشد  
و دستهای رب‌نایشان تا پرنیان «سدرة‌المنتهی» می‌رسد  
و عاشقانه نظاره‌گر معراج میشوند تا «قاب قوسین او ادنی»  
قرن هاست منتظر ۳۱۳ معراج‌نشین ندبه‌خوانِ تشنه مانده‌اید  
آنچنان تشنگی که تمام هستی چشم‌انتظاری را بسوزاند  
و دل‌های خفته در تاریکی تاریخ را بیدار کند  
بغض آسمان گلوی زمین را می‌فشارد  
و شما صاحب زمانید و منجی زمین  
به تیغ دعا کوتاه فرما این عصر غفلت‌نشینی و پر از ظلم و جور را  
کاش آسمان ببارد

نویسنده: baran

برای حضرت باری



# ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی میعاد

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۵

شماره ۳۶

فهرست

- ۴ کلام نور .....
- ۵ سرمقاله .....
- ۶ سازوکار سیاسی یک جامعه ایمانی .....
- ۷ اینفوگرافیک .....
- ۸ مسیر برجام .....
- ۱۰ فرانسه؛ داعش الجزایر .....
- ۱۱ نگارستان .....
- ۱۲ امنیت خودکامگی .....
- ۱۳ گزارش تصویری .....
- ۱۴ برنامه داشته باش .....
- ۱۶ وصیتنامه .....
- ۱۷ خاکیان افلاکی .....
- ۱۸ ابرقدرتی به نام مردم .....
- ۲۰ قاتل الفرعون .....
- ۲۱ کلیپ .....
- ۲۲ چرا منتظری عزل شد؟ .....
- ۲۴ طنز .....
- ۲۵ احکام .....
- ۲۵ حرمت راز (نانوشته) .....
- ۲۶ مصاحبه .....
- ۳۰ شعر .....
- ۳۱ برگ از بهشت (یک راه بیشتر نداریم) .....

سردبیر:

**Baran**

نویسندگان:

**Ayaran313 - Hamase - Matinemami - Parasto**

**Sobhanshahidi - Soode - Salam110**

طراح و صفحه آرا:

**س.م.حسینی**

سایر همکاران:

**Iighalameshghii - Mamitavanim92**

طراح جلد:

**نام طرح: جهاد اقتصادی**

**کارگردانان هنری: حسین سخا، محمدرضا چیت ساز، دانیال فرخ**

کانال ماهنامه در تلگرام:

**@miaad\_ir**

رایانامه:

**nashrie\_afsan@mihanmail.ir**

شماره پیامک:

**۳۰۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰**

ما را در مسیری که شروع کرده ایم تنها نگذارید. ایده های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی ترین برادر ما خواهید بود.

مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می کند.

نشریه «میعاد»، وعده گاه سربازان متعهد و دلسوز جبهه جنگ نرم است و خود را جزئی از حرکت مستمر و بالنده انقلاب در رسیدن به تمدن اسلامی می داند. به کارآمدی سنت علمی، عملی و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب<sup>[۱]</sup> و رهبر معظم خود (عظمه الله) اعتقاد دارد و راه و روش خود را بر اساس، حفظ، ترمیم و بالندگی انقلاب اسلامی طراحی می کند و حرکت خود را با تکیه بر آن منویات بی بدیل پیش می برد. نگاه ما به تحولات جهانی، نگاهی یکپارچه به گذشته، حال و آینده است، چون معتقدیم بی توجهی به هر یک باعث خسران است و استمرار حرکت اصیل اسلامی، در گرو فهم گذشته و مدیریت حال برای تحقق آینده مطلوب است. این نشریه، درصدد احیاء، تبیین، همسرایی و همکاری مفاهیم انقلابی اسلام در حوزه های سیاسی - اجتماعی برای مخاطب خود است؛ با نگاهی بیشتر و عمیق تر...





من به همه مسؤولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش ها و نوآوری ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی ها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گداختی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند، و به جای این که گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند... مبارزه علمی برای جوانان، زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت ها و حقیقت هاست، و اما مبارزه علمی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.



امام خمینی ۱۳۶۷/۴/۲۹

ما باید به خودمان اکتفاء کنیم؛ به دیگران نمی شود اکتفاء کرد، به بیگانگان نمی شود اکتفاء کرد، نمی شود اعتماد کرد. من مکرر در دوران همین مذاکرات هسته ای - شاید چهار پنج مرتبه یا بیشتر- گفتم به آمریکایی ها نمی شود اعتماد کرد. حالا هم ملاحظه میکنید و می بینید؛ حرفهایی که میزنند، اظهاراتی که میکنند و عملکردی که نشان میدهند، کاملاً امضای آن حرفی است که بنده آن وقت میزدم؛ یعنی واقعاً نمی شود به اینها اعتماد کرد. [البته] آمریکایی ها به عنوان نماد بداخلاقی و بدآدایی هستند... ما باید به خودمان اعتماد کنیم، به خودمان تکیه کنیم و بدانیم میتوانیم و بدانیم که خدای متعال هم کمک میکند. امیرالمؤمنین میفرماید: فَلَمَّا رَأَى اللّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا النُّصْرَةَ وَ أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ؛ وقتی ما صادقانه وارد میدان میشویم و حرکت میکنیم، خدای متعال نصرت را به ما قطعاً خواهد داد.



روح الامیر

مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۱/۱۸



به قلم سردبیر: Baran

و باطل بسیار زیادتر شود.

افزایش قدرت تشخیص مردم علاوه بر اینکه باعث در امان ماندن آنها از فریبکاری‌های دشمنان خارجی و داخلی می‌شود، موجب بازتر شدن دست امام جامعه در عمل به قوانین الهی و مدنی خواهد بود. دایره نفوذ خواص جاهل یا خائن و دشمن خارجی را کاهش داده و قدرت و سرعت حرکت نظام اسلامی به سمت آرمان‌های جهانی خود را افزایش خواهد داد.

اما ناتوانی در تشخیص و تصمیم درست، مانع مطالبه حق شده و سطح عملکرد حق طلبانه حکومت را پایین می‌آورد. سامری‌های کوچک و بزرگ با انواع بت‌ها مردم را فریب داده و در سخنان و احکام شفاف و صریح رهبر الهی تشکیک می‌کنند و انرژی حاکمیت به جای گسترش عدالت صرف آگاهی بخشی تکراری می‌شود و با اینحال همواره عده‌ای منتظر هستند رهبر جامعه حرفش را صریح‌تر بزند! نه گفته‌های وی را می‌فهمند و می‌دانند، نه گفته‌ها را! به جای فریاد زدن همچون ابودر و عمار، مصلحت‌سنجی‌هایی را که ویژه جایگاه رهبری است اختیار می‌کنند. در اینصورت اگر یک پیامبر یا امام معصوم هم رهبر جامعه باشد حتی برای کنار زدن خواص جاهل یا خائن و اعمال حق، دست بسته و ناتوان خواهد بود و اگر در اقلیت مطلق قرار گیرد از بین می‌رود.

پس از فتح مکه، رسول اکرم (ص) دستور عفو همگانی داد اما فرمودند: «عبدالله (برادر رضاعی عثمان) را هرجا گیر آورید بکشید حتی اگر خود را به پرده‌ی کعبه چسبانده باشد.» این شخص ابتدا مسلمان بود ولی بعد مرتد شد و به مکه فرار کرد و شروع به دروغ بستن به خدا و پیامبرش کرد.

عبدالله با شنیدن این دستور به برادرش عثمان پناه برد و از او خواست نزد رسول خدا واسطه شود تا او را نکشند. عثمان برادر را نزد پیامبر آورد و از ایشان برای برادر مرتد خود طلب بخشش کرد. رسول اکرم (ص) مدتی طولانی سکوت کردند و سپس سر بلند کرده و رضایت دادند. بعد رو به اصحاب کردند و فرمودند: «می‌دانید چرا مدتی طولانی سکوت کردم؟ منتظر بودم یکی از شما بلند شود و سر از تن عبدالله جدا کند!» (سقیفه، علامه عسکری)

تلاش برای افزایش عقول یک وظیفه همگانی است تا امت به جایی برسد که یک اشاره رهبر، نه تذکرها پی در پی و پرتکرار، کافی باشد برای عمل کردن، آنگاه می‌توان توقع داشت ظهور رخ دهد.

ماندگاری هر نظام و حکومتی وابسته به همراهی و اعتماد مردمش است، از سطح خواص گرفته تا عوام. نظام جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. انقلاب اسلامی ایران با چشم انداز بلند زمینه‌سازی برای حکومت اسلامی در جهان توسط امام عصر (عج) در میان کشورهای منطقه توانست نظامی را مستقر کند که ۳۷ سال در برابر شدیدترین حملات و هجمه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مقاومت کند و تسلیم خوی استکباری اربابان خودخوانده جهان نشود. این پایداری و مقاومت ناشی از حمایت و اعتماد مردم به حاکمیت ولایت فقیه و استمرار بخشیدن به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب به عنوان مولفه‌های ساختاری حکومت بوده و موجب شده است طی سال‌های بعد پیروزی، این انقلاب همچنان زنده، پویا و الهام بخش در بین ملت‌های آزادخواه باشد.

هم در طول مبارزات انقلاب و هم در زمان جنگ تحمیلی، اعتماد و اطاعت مردم از امام جامعه موجب پیروزی و حفظ کشور بوده است و هرجا امر امام نادیده گرفته شده، از روی غفلت و جهالت یا خیانت، موجب ضرر و بحران در کشور گشته است همچون ماجرای قائم مقامی آقای منتظری که برخلاف نظر امام توسط برخی خواص شکل گرفت و هزینه‌های فراوانی به کشور تحمیل کرد یا مصیبت بنی صدر که انتخاب اشتباه مردم بود و تا مردم نسبت به این اشتباه بصیرت پیدا نکردند عزل نگردید.

از یکسو خواص جامعه که موثر در تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان برای اداره کشور هستند می‌توانند با عدم فهم صحیح از وقایع و شرایط و عدم اطاعت‌پذیری کامل از امر امام جامعه مانع پیشرفت کشور شده و یا به شکلی خطرناک آن را با سقوط مواجه کنند و از سوی دیگر عامه جامعه با عدم تلاش برای درک حقیقت و عمل به وظیفه در قبال حاکم عادل، می‌توانند فرصت داشتن آینده روشن و آرمانی را از خود سلب کنند.

افکار عمومی مردم آن قدر اهمیت دارد که حتی ظهور حضرت ولیعصر (عج) نیز معطل آن است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «تا حق و باطل از هم جدا نشوند امام زمان (ع) نمی‌آیند.» مردم باید بفهمند و حق و باطل را تشخیص دهند. تجربه نشان داده است ملت ایران در بزنگاه‌های تاریخی پس از انقلاب برخلاف خواص، با روشن بینی و عملکرد خوب خود موجب حرکت کشور در مسیر عظمت، عزت و پیشرفت بوده است اما این کافی نیست و باید قدرت تشخیص حق

دین برنامه جامع زندگی انسان‌ها و معین کننده مسیر اصلی انسان‌ها در جهت رسیدن به هدف نهایی خلقت یعنی رسیدن به خدا است که خداوند آن را توسط پیامبران خود به بندگانش عرضه کرده است.

اما اسلام دینی است که یکی از مهمترین برنامه‌هایش برای انسان، تشکیل حکومت اسلامی و جامعه‌ای الهی است که اگر غیر از این باشد جامعیت و کامل بودن آن به عنوان آخرین دین الهی نقض می‌شود. در اسلام، انسان‌ها در کنار هم متجلی می‌شوند و هرکس علاوه بر تهذیب نفس، باید در جهت اصلاح محیط زندگی خود بکوشد. قرآن کریم بارها در آیات متعدد با خطاب‌های «یا ایها الذین امنوا» و ... جامعه مدنظر اسلام را ترسیم کرده و دستورالعمل‌های لازم را به مسلمین داده است.

اسلام دینی نیست که با تربیت انسان‌هایی تک بعدی و صرفاً دعاخوان موافق باشد. مکتبی است که الگوهای تربیت شده آن، بزرگانی چون مالک‌اشتر و عماریاسر است که تعلیم یافته مکتب حضرت امیر(ع) بودند. کسانی که هم مرد جهاد بودند و هم عبد خاشع خدا، زاهدانی که هم درس سیاست می‌دانستند و هم راه صحیح دیانت را.

در راس و قله یک جامعه ایمانی، خدا قرار دارد و همانطور که در قرآن آمده «الله ولی الذین امنوا» (بقره ۲۵۷). پس خداوند ولی جامعه اسلامی است و هرکس را که ایمان آورد از تاریکی‌ها و سایه طاغوت‌ها خارج می‌کند: «یخرجهم من الظلمات الی النور» (بقره ۲۵۷) این یعنی افراد در جامعه اسلامی به سمت وحدت و یکی شدن یعنی رسیدن به خداوند پیش می‌روند.

در ادبیات اسلامی، جامعه و اجتماع مورد نظر همان «امت» است. امت از ریشه «أَمَّ» به معنای قصد و عزم کاری را داشتن است و امت آن دسته از مردم هستند که با هم برای رسیدن به یک هدف در حرکتند. این جماعت یک جلودار می‌خواهد که او امام است. بنابراین ویژگی دیگر جامعه اسلامی در حرکت بودن و وجود امام است.

اما حرکت در کدام جهت؟ در جهت تعالی و پیشرفت؛ یعنی حرکتی صعودی. البته در کنار آن حرکتی دیگر در جهت پیشرفت

و توسعه جامعه وجود دارد که در عرصه‌های اقتصادی و معیشتی نمود می‌یابد و از آنها نباید غافل شد. حاکمیت در چهارچوب ایمان موظف به تامین امنیت و برداشتن موانع معیشت مردم است اما این حرکت باید در جهتی پیش رود که زمینه تعالی انسان‌ها را فراهم کند.

ویژگی دیگر یک جامعه ایمانی احساس مسئولیت انسان‌ها نسبت به یکدیگر و عدم بی‌قیدی آنها است. در قرآن کریم آمده است «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ. يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه ۷۱) اینجاست که امر به معروف و نهی از منکر معنا می‌یابد.

اما این جامعه ایمانی با جوامع دیگر هم در ارتباط است از جمله کفار. دستورالعمل اسلام برای ارتباط با کفار را می‌شود در آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه دید که آنها را به دو دسته کفار حربی و غیرحربی تقسیم می‌کند. نکته قابل توجه در این زمینه، دفاع و ایجاد امنیت برای امت اسلامی است. مساله‌ای مهم و حیاتی که در قرآن کریم به آن صریحاً امر شده است: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ.» (انفال ۶۰)

بنابراین بخشی از ویژگی‌های اصلی جامعه ایمانی عبارت است از:

- ۱- وجود ولایت الهی بر جامعه
  - ۲- ولایت امام بر امت اسلامی که در طول ولایت الهی است
  - ۳- هدفمند بودن
  - ۴- در حرکت بودن
  - ۵- مرتبط بودن انسان‌ها با یکدیگر و مسئولیت متقابل در بین افراد
  - ۶- ارتباط سازنده و امن با غیرمسلمین که قصد جنگ و نابودی جامعه اسلامی را ندارند
  - ۷- قطع ارتباط با کافران حربی
  - ۸- تامین امنیت جامعه اسلامی و ایجاد قدرتی بازدارنده در برابر تهاجمات دشمن
- البته در این بین، افرادی هم هستند که از ولایت خداوند خارج شده‌اند و به سمت ولایت طاغوت و ظلمات رانده می‌شوند. افرادی که خداوند در قرآن درباره‌شان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ. أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره ۲۵۷).
- اما جمهوری اسلامی جامعه‌ای است که با آرمان‌های تشکیل امت اسلامی در پی انقلاب ۵۷ شکل گرفته و از سال‌های قبل تاکنون در تلاش برای ایجاد این جامعه ایمانی گام برداشته است و قانون اساسی خود را مبتنی بر این ویژگی‌ها تدوین کرده است. امت اسلامی ما در حرکت است با همان ساز و کار امام و امت، حال آنان که در جهتی مخالف گام برمی‌دارند باید بدانند که عاقبت مسیرشان «ظلمات» و ولایت طاغوت است و بدانند که نمی‌توانند مانع حرکت این امت شوند زیرا تاریخ بارها این تجربه را نشان داده است که آنکس که خلاف جهت رودخانه خروشان امت قدم برداشته نتیجه‌اش نیستی و عدم بوده است.

سازوکار سیاسی یک جامعه ایمانی

نویسنده: sobhanshahidi



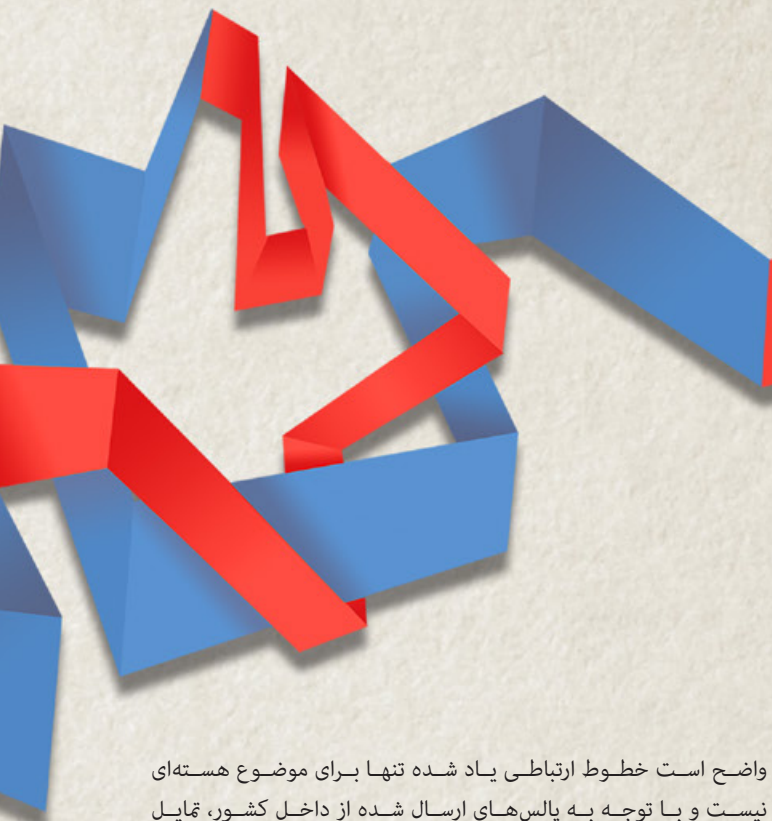
اصل قضیه این است که ملت ایران باید بتواند کاری بکند که خود را در مقابل تهدیدهای دشمنان و دشمنیهای آنها، از آسیب پذیری خارج کند. ما باید کاری کنیم که در مقابل تهدید دشمنان، آسیب پذیر نباشیم. آسیب پذیری را به صفر برسانیم.

پیام نوروزی امام خامنه‌ای (حفظه الله) ۱۳۹۵/۱/۸



نویسنده: Baran

# مسیر برجام



واضح است خطوط ارتباطی یاد شده تنها برای موضوع هسته‌ای نیست و با توجه به پالس‌های ارسال شده از داخل کشور، تمایل به برقراری ارتباط با آمریکا و فراموشی جنایات آن برای کسب منافع شخصی و حزبی نشان شده است و غرب نیز می‌خواهد از این فرصت نهایت استفاده را جهت رسیدن به اهداف خود ببرد و شاخص‌های تعریف شده خود برای یک نظام خوب را در ایران پیاده کند و برای این کار نیاز دارد احساس نیاز و وابستگی به غرب را از یک جمع محدود به اکثریت مردم ایران سرایت دهد. اندیشکده آمریکایی کیتو در گزارشی می‌نویسد: «آمریکا نیاز دارد وجود یک فضای بین‌المللی مفید برای ایران را القا و افکار ایرانیان را منعطف به خارج نماید. هرچقدر که جمعیت ایران از توافق صلح آمیز دستاورد داشته باشند و رفاه و امنیت را در آن پیدا کنند بعد از انقضا توافق هسته‌ای نیز این کشور در همین مسیر باقی می‌ماند»

نکته مهم در این معامله، باقی ماندن ایران در همین مسیر است تا به نقطه پایانی مهمی که برای آن تصویر شده است برسد. گزارش اندیشکده کیتو می‌گوید: «آینده نامعلوم است اما توافق هسته‌ای یک گام مثبت است. هرچند که موفقیت دشوار است اما دست‌کم مسیری به سوی ایران دموکرات‌تر و آرام‌تر برای آینده است که برای خاورمیانه از جمله اسرائیل و عربستان سعودی و آمریکا نیز مفید خواهد بود. تاکنون توافق هسته‌ای، ایران را از توسعه سلاح‌های هسته‌ای به عقب رانده و موجب جنگ قوی‌تر برای اصلاحات در ایران شده است.»

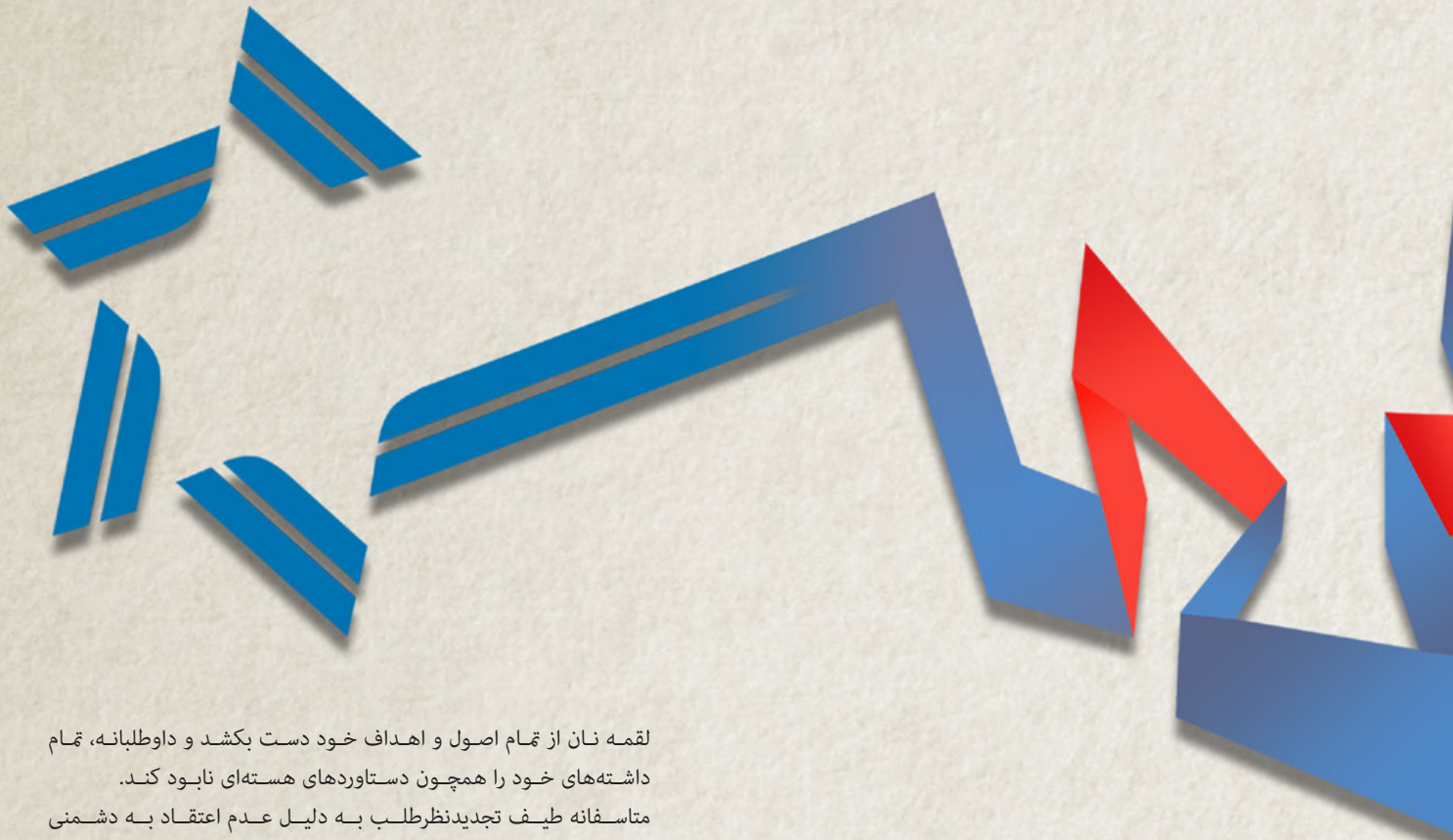
سخنان مقامات و استراتژیست‌های آمریکایی به شکلی واضح نشان می‌دهد برجام هسته‌ای به عنوان آغاز راه تغییر محتوا و ساختار نظام ایران و در نهایت، براندازی آن در نظر گرفته شده و آنچه در طول این مسیر از ایران مطالبه می‌شود تغییر رویکرد انقلابی و مستقل خود و تسلیم در برابر تمام خواسته‌های استکبار از جمله پایان حمایت

دولت یازدهم با وعده گشایش اقتصادی در میدان انتخابات ریاست جمهوری پیروز گردید و با چشم‌انداز توافق هسته‌ای برای رفع تحریم‌ها، بیش از ۲۵ ماه اقتصاد کشور را منتظر و بلا تکلیف گذاشت. تصویب و اجرای برجام نیز که به گفته کارشناسان دارای ابهام و ضعف‌های ساختاری متعدد بود، نتوانست مشکلی از رکود اقتصادی برطرف نماید؛ زیرا اجرای برجام همانطور که توسط رهبر انقلاب و برخی دلسوزان کشور پیش بینی شده بود یکطرفه انجام شد و با وجود نابودی بسیاری از دستاوردهای هسته‌ای، نه تنها طرف مقابل به تعهدات خود مبنی بر رفع تحریم‌ها عمل نکرد بلکه به بهانه‌های مختلف آن را تشدید نمود.

نداشتن برنامه اقتصادی درون‌زا طی سه سال گذشته موجب افزایش بیکاری، افزایش بدهی به بانک مرکزی و افزایش نقدینگی، تعطیلی برخی کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی، افزایش واردات و غیره شد. بی‌توجهی به برنامه تعیین شده اقتصاد مقاومتی که در مقابل دشمنی‌های اقتصادی طراحی شده بود موجب شد؛ سال ۹۵ توسط رهبر انقلاب به نام اقتصادمقاومتی؛ اقدام و عمل نامیده شود. تحقق نیافتن انتظارات اقتصادی از برجام واضح و مورد تأکید صاحب‌نظران خارجی نیز بوده است از جمله نیویورک تایمز در تحلیل پس‌برجام می‌نویسد: «تنها دستاورد برجام برای ایرانی ورود کالاهای لوکس به این کشور بوده است.» حال این سوال پیش می‌آید که چرا با وجود شکست در تحقق وعده برجامی دولت سخن از برجام‌های متعدد بعدی است؟ آیا برجام هدف دیگری را دنبال می‌کرده یا بخشی از پروژه بزرگتری است که از چشم مردم پنهان شده است؟

دکتر کالین کال در کنفرانس اسفند ۹۴ اندیشکده رند گفت: «توافق هسته‌ای این مزیت قطعی را داشته که خطوط ارتباطی جدیدی بین واشنگتن و تهران ایجاد کرده است. آنچه ما در ماه‌های بعد از دستیابی به توافق دیده‌ایم... آن است که احتمال دارد ایران متوجه شود منافعش بیشتر در تعامل بین‌المللی نهفته است» علی‌رضا نادر، تحلیلگر ارشد اندیشکده رند نیز می‌گوید: «حکومت ایران متوجه نیاز به خطوط ارتباطی با آمریکا شده است هرچند همچنان آمریکا را دشمن خود می‌داند. آنچه ما در ماه‌های بعد از دستیابی به توافق دیده‌ایم... آن است که احتمال دارد ایران متوجه شود منافعش بیشتر در تعامل بین‌المللی نهفته است در حال حاضر رهبران ایران می‌گویند: بیایید گفتگو کنیم.»





لقمه نان از تمام اصول و اهداف خود دست بکشد و داوطلبانه، تمام داشته‌های خود را همچون دستاوردهای هسته‌ای نابود کند.

متأسفانه طیف تجدیدنظرطلب به دلیل عدم اعتقاد به دشمنی استکبار و ترس از مقابله با او و نداشتن روحیه انقلابی (بطور خوشبینانه)، بازی خود در نقشه راه آمریکا را به بهترین شکل دنبال می‌کنند و چون برای پایان بردن این راهکار نیازمند حفظ جایگاه حکومتی خود هستند در ماه‌های پیش رو که به انتخابات ۹۶ نزدیک می‌شویم شاهد تلاش‌های وسیعی از سوی آنان برای دست گرفتن افکار عمومی کشور با استفاده از تجربه انتخابات مجلس ۹۴ خواهیم بود، از جمله القای کارآمدی برجام و اعلام گشایش‌های اقتصادی حتی به دروغ، گشایش اقتصادی مقطعی در صورت همکاری آمریکا و ایجاد ترس از آینده بدون برجام که امروز هم بخشی از این تلاش‌ها مشاهده می‌شود. القای ترس از تهدیدات نظامی از سوی عربستان و ناتو یا حتی حمله مستقیم آمریکا! می‌تواند تکمیل‌کننده این پازل باشد که نمونه آن را می‌توان در هشدار جدید حسین موسویان دید: «عربستان می‌خواهد به بهانه تهدید موشکی ایران، پای ناتو را به خلیج فارس باز کند. این طرح، یک تهدید خطرناک و درازمدت علیه امنیت ملی ایران است. این توطئه بزرگ با آزمایش موشکی و رزمایش نظامی قابل دفع نیست!»

بدین ترتیب از یک سو با اعمال فشارهای داخلی تلاش می‌کنند منبع اصلی قدرت نظام که حامی اقتدار دفاعی است یعنی رهبری را از موضع خود عقب برانند یا از نفوذ کلام ایشان در جامعه بکاهند و از سوی دیگر با مذاکره با عربستان و آمریکا، هم بر سر مقاومت منطقه و کاهش حمایت از آنها معامله کنند و هم حمایت مالی جهت حفظ پایگاه خود در ایران را جلب کنند. درشت‌گویی‌های گاه و بیگاه در مقابل دشمن نمی‌تواند شاخص رویکرد درست آنان باشد مگر اینکه در عمل نیز سیاست‌هایی با محوریت مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب از سوی این طیف اعمال شود.

و العاقبة للمتقين

از خط مقاومت در برابر موجودیت رژیم صهیونیستی و اذتاب آن بوده و امید آنان برای این تغییرات، به نیروهای تجدیدنظرطلب در داخل ایران است. نمونه‌های اولیه آن را نیز می‌توان در آزادسازی ملوانان آمریکایی، ممانعت از ارسال کمک‌های ایران به یمن و فشار رسانه‌ای برای تعطیلی قدرت دفاعی ایران بویژه در حوزه موشکی دید. تجربه عراق و لیبی نشان می‌دهد در کنار تحت فشار قرار دادن کشور از لحاظ اقتصادی که روزه باج‌خواهی را باز می‌کند می‌بایست قدرت دفاعی آن کشور را نیز نابود کرد تا بتوان به هدف نهایی که تسخیر است، رسید و این معنا تحقق نمی‌یابد مگر به واسطه ضعف حاکمیت کشور. در مورد ایران نیز همین تجربه در حال تکرار است و عدم اطمینان دولت یازدهم به توان داخلی که با تلاش فراوان حلقه‌های نفوذ همراه شده است امید به موفقیت آن را در طرف مقابل افزایش داده است.

با توجه به هدف‌گذاری میانی که همان اعتماد به نفس ملی و به حداقل رساندن قدرت دفاعی کشور و حذف حمایت ایران از بازوهای مقاومت در سوریه، لبنان، غزه، یمن و .. است، حمایت از مشی اعتدال برای تکمیل کار خود از جمله سیاست‌های قطعی آمریکا خواهد بود. روزنامه گاردین به این نکته اشاره می‌کند: «سیاست اوپاما حمایت از دولت روحانی است، که به حمایت مالی خارجی برای محقق کردن وعده‌های اقتصادی خود نیاز دارد.» اما بنگاه‌های اقتصادی متصل به نیروهای دفاعی ایران همچون سپاه همچنان باید در تحریم باقی بمانند. ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ایران در این باره به گاردین می‌گوید: «ارتباط تجاری خطرناک، آن ارتباطی است که از نتیجه آن منفعتی نصیب سپاه پاسداران شود و یا حمایتی از آنها به عمل آورد.» این سخنان نشان می‌دهد آمریکا تا جایی که بتواند ملت ایران را تحت فشار قرار خواهد داد تا به زعم آنها، این ملت برای یک

# داعش الجزایر

کرد و یکی از شدیدترین درگیری‌ها بین دو طرف که به نام "نبرد الجزیره" مشهور شد، از ژانویه تا اکتبر سال ۱۹۵۷ طول کشید. در این مدت، لشکر ۱۰ هوآبرد فرانسه در ابعاد گسترده از روش‌های مختلف برای سرکوب انقلاب مردم استفاده می‌کردند، از جمله به‌کارگیری سیستماتیک شکنجه علیه غیرنظامیان، اعدام‌های غیرقانونی و "ناپدید شدن اجباری" به ویژه از طریق روشی که بعدها "پرواز مرگ" نامیده شد.

نیروهای هوآبرد فرانسه صدها زندانی الجزایری را از بندر الجزیره و یا طی "پروازهای مرگ" از هلیکوپتر به دریا می‌ریختند تا غرق شوند. بعد از مدتی، از آن‌جا که اجساد زندانیان روی آب می‌آمدند، نیروهای فرانسوی تصمیم گرفتند قبل از انداختن زندانیان به دریا، روی پای آن‌ها بتن بریزند تا پس از مرگ در اعمال دریا بمانند. این قربانیان به خاطر "مارسل بیگارد" فرمانده لشکر سوم هوآبرد فرانسه، به "میگوه‌های بیگارد" مشهور شدند. به علاوه، کشیش‌های نظامی هم بودند که نیروهای فرانسوی را از نظر ذهنی آماده می‌کردند و اجازه بیداری به وجدان آن‌ها نمی‌دادند.

آنها از بمب‌های ممنوعه ناپالم نیز ضد مردم الجزایر استفاده کردند. شوک الکتریکی و فرو کردن قربانیان در فاضلاب و آب یخ از روش‌های رایج شکنجه فرانسوی‌ها بود. سربازان فرانسوی، سر آزادی‌خواهان الجزایری را بریده، روی نیزه زده و با آن‌ها عکس می‌گرفتند یا به دیوارهای شهر آویزان می‌کردند. تصاویر افشا شده از جنایات فرانسوبان نشان می‌دهد برخورد ارتش فرانسه با آزادی‌خواهان الجزایری و حتی زنان و کودکان غیرنظامی، بیش از آن‌چه قابل‌باور باشد به جنایات داعش در سوریه و عراق شباهت داشته است. اگرچه استفاده از شکنجه توسط دولت فرانسه آشکار شد، اما مقامات این کشور بارها و بارها این موضوع را انکار کردند. سانسور بیش از ۲۵۰ کتاب، روزنامه و فیلم فقط در مناطق شهری فرانسه و ۵۸۶ عنوان درون الجزایر از جمله این انکارها بود. با این حال، بسیاری از فعالان جناح چپ، از جمله نویسندگان معروفی مثل "ژان پل سارتر" و "آلبرت کامو" استفاده فرانسه از شکنجه را محکوم کرده‌اند.

انقلاب الجزایر از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۲ یعنی مدت ۸ سال طول کشید و یک میلیون قربانی داد و به همین جهت در تاریخ کشورهای عرب و شمال آفریقا، به عنوان "ارض میلیون شهید" به معنای "سرزمین یک میلیون شهید" مشهور شد.

سال ۱۷۹۷ میلادی، دولت فرانسه مقدار فراوانی گندم را به مبلغ پنج میلیون فرانک از "بیک‌حسین" فرمانروای الجزایر خریداری کرد، ولی بعد از تحویل گندم‌ها، پول آن را نپرداخت. بیک‌حسین به کنسول فرانسه در شهر الجزیره پایتخت الجزایر اعتراض کرد و طی صحبتی که با سرکنسول فرانسه داشت، از روی عصبانیت، مگس‌پرانی را که در دست داشت، به صورت سرکنسول فرانسه کوبید. دولت فرانسه که از مدت‌ها قبل، قصد تصرف الجزایر را داشت، این امر را دست‌آویز قرار داد و ارتش فرانسه با یکصد ناو جنگی و ۳۶ هزار سرباز، بنادر الجزایر را به گلوله بست و سپاهیان فرانسه، شهر الجزیره را گرفتند. در سال ۱۸۳۵ مقاومت مردم الجزایر در برابر اشغالگران، آغاز شد. دولت فرانسه در سال ۱۸۳۶ تصمیم گرفت، ضمن سرکوب جنبش مردم الجزایر، همه خاک این کشور را تصرف کند، لذا شهر کنستانتین را تصرف کرد اما برای تسخیر مناطق جنوبی الجزایر، با مقاومت سرداری به نام "امیر عبدالقادر" روبه‌رو شدند که فردی مسلمان و وطن‌پرست بود. امیر عبدالقادر مدت ۱۴ سال با دولت فرانسه جنگید اما سرانجام توسط نیروهای ژنرال "بوژو" محاصره شده و شکست خورد.

الجزایر کاملاً به تصرف فرانسه درآمد و دولت فرانسه از این جهت، اکثر کشورهای شمالی آفریقا به‌ویژه الجزایر را مستعمره خویش گردانید. از جمله پیامدهای این استعمارگری، اعزام ۱۷۳ هزار جوان الجزایری در سال ۱۹۱۷ به جنگ اول جهانی بود که ۲۵ هزار نفر از این افراد کشته شدند.

با آغاز درگیری‌ها بین دو طرف، دولت فرانسه حاضر نشد، مسئله را به عنوان جنگی علیه استعمارگری به رسمیت بشناسد، چرا که در این صورت، طرف مقابل یعنی جبهه آزادی‌بخش ملی، به عنوان یک نهاد مشروع مطرح می‌شد. از آن‌جا که فرانسه، این درگیری‌ها را یک "جنگ" نمی‌دانست، بنابراین ارتش خود را ملزم به رعایت کنوانسیون ژنو نکرده بود، کنوانسیون ژنو، علاوه بر منع استفاده از شکنجه، به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز اجازه دسترسی به بازداشت‌شدگان را می‌داد. بنابراین، بازداشت‌شدگان الجزایری که نه تنها اعضای جبهه آزادی‌بخش ملی، بلکه افراد مسن، زنان و کودکان بودند، "اسیر جنگی" به حساب نمی‌آمدند، بلکه به عنوان "تروریست" معرفی و از حقوق قانونی که به طرف متخاصم در طول جنگ داده می‌شود، محروم می‌شدند.

سال ۱۹۵۷ وزیر کشور فرانسه، حالت فوق‌العاده در الجزایر اعلام



# امنیت خودکامگی

نویسنده: matinemami

عده‌ای خاص قرار می‌گیرد و در نتیجه، حکومت یا نظام و تشکیلات عدل‌گستر که باید حافظ امنیت و منافع عمومی جامعه خود باشد، فلسفه وجودی خود را، که همانا برقراری عدالت اجتماعی در ابعاد گوناگون است، از دست خواهد داد و در مواردی، حتی ممکن است واکنش طبقات مظلوم و محروم از عدالت را به دنبال داشته باشد. همانطور که حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) به صراحت، استیثار (خودکامگی و تقدم منافع شخصی بر منافع عمومی) و استبداد را مایه اضمحلال حکومت عثمان و هلاکت او معرفی می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۳). همچنین ایشان در نامه به مالک اشتر نوشتند: بپرهیز از امتیازخواهی و این که چیزی را به خود مخصوص کنی که (بهره) مردم در آن یکسان است؛ و از تغافل در آنچه به تو مربوط است و برای همه روشن است، برحذر باش ... مبادا دیگران به سبب وابستگی به تو، انحصارطلبی کنند و امتیازات نابجا بخواهند و کسب کنند و مبادا در تو طمع کنند که قراردادی به سود ایشان منعقد کنی که مایه زیان سایر مردم باشد ... (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از جمله آثار مخرب وجود منفعت طلب و خودکامه‌های مورد حمایت مسئولان جامعه، این است که حکومت و مسئولان آن امنیت خود را، به واسطه محروم شدن از پشتوانه مردمی، از دست می‌دهد و در برابر تهدید بدخواهان، آسیب پذیر خواهد شد. وقتی مردم ببینند حاکمان به جای خدمت‌گزاری به آن‌ها در فکر منافع شخصی یا تشکیلاتی و همراهی با طبقات خاص از اجتماع هستند، طبعاً حاضر به پشتیبانی از آن‌ها نخواهند بود. همانگونه که شورش مردم علیه عثمان و فروپاشی حکومت امویان و ده‌ها نمونه تاریخی دیگر، مؤید این مطلب است.

فاعتبروا یا اولی الابصار ...

امنیت از اساسی‌ترین نیاز بشر است که مهمترین دلیل برای تشکیل حکومت شد. عنصر اصلی در مفهوم «امنیت»، فقدان تهدید یا به حداقل رساندن تهدیدهای اجتماعی، و احساس آرامش در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ثمره امنیت است (امنیت و شریعت - کتاب نقد - ش ۱۴ و ۱۵). هیچ مجموعه‌ای دارای عضو مانند: نظام‌های سیاسی و حکومت و خانواده نمی‌تواند فارغ از مسأله حفظ امنیت باشد، و گرنه پایدار نمی‌ماند.

شبکه‌های اجتماعی نیز به عنوان جامعه مجازی، به نیاز امنیت روانی و رفتاری اعضا خود تحت نظام و ضوابط آن جامعه، باید توجه کند، از این قاعده مستثناء نیست. اما امنیت در جوامع چه ربطی به خودکامگی یا منافع شخصی اشخاص دارد؟ برای ذهنیت دادن به این ارتباط به یک مثال بسنده می‌شود:

در عصر نبوی و علوی (علیها السلام) و حتی در دوران معاصر، شخصیت‌های فراوانی بودند که به دلیل نداشتن تقوای در منافع شخصی، تا جایی سقوط کردند که در برابر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایستادند یا بر ولی خدا شمشیر کشیدند و یا هماهنگ با دشمنان کشور، نامه بدون سلام و والسلام نوشتند و جامعه را در ظاهر و باطن به آتش کشیدند.

این منفعت طلبی افراد، علاوه بر این که خود آن‌ها را از رشد و تعالی باز می‌دارد، وقتی توسط مسئولان جامعه پسندیده شود، زمینه شیوع فساد در جامعه را نیز فراهم می‌کند. این نوع از فساد در خواص و مسئولان، نظم عمومی، امنیت روانی اجتماع را به خطر می‌اندازد. با گسترش نگرش حفظ منافع شخصی به هر قیمتی، عدالت اجتماعی به طور طبیعی در جامعه رنگ خواهد باخت و جای آن را تبعیض خواهد گرفت و امکانات و تصمیمات عمومی جامعه در اختیار

## «روزگار موشک»

قدرت دفاعی ما، موجب مباهات ملت ایران و خوشحالی ملت‌های آزادی‌خواه منطقه است.



پس از مدیریت زمان، مسأله مهم دیگری که نیازمند تدبیر و مدیریتی اصولی است، مسأله اقتصاد است. مسائل اقتصادی برای یک خانواده و برای فردی که به تنهایی زندگی می‌کند، حرف اول را می‌زند. در این مورد نیز پیشنهادها و توصیه‌هایی برای یک مدیریت اقتصادی موفق را مطرح می‌کنیم.

#### برنامه‌ریزی فردی

امام علی (ع) می‌فرمایند: «مؤمن باید شبانه روز خود را به سه بخش تقسیم کند. زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی برای تأمین هزینه زندگی و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است.» (۳)

در این کلام، امام به روشنی نمایی کلی از تقسیم‌بندی ساعات در شبانه روز را به ما نشان می‌دهند. چگونه پر کردن این ساعات با زیرمجموعه‌های مناسب به خود ما برمی‌گردد.

پیش از هرچیز، باید این مثل قدیمی را یادمان باشد که سنگ بزرگ، نشانه نزدن است. بهتر است برای شروع، به خودمان سخت نگیریم و ابتدا برنامه‌های آسان برای قسمتی از ساعات روز تهیه کنیم و بعد برای همه ساعات طرحی بنویسیم. اگر محصل و دانشجو هستیم یا اینکه شاغلیم ساعات مربوط به مطالعه یا کار را مشخص کنیم، استراحت و تفریح را در نظر بگیریم و زمان مربوط به عبادت و مخصوصاً نمازهای پنجگانه را بین برنامه‌های روزانه اختصاص بدهیم. حتی خانم‌های خانه دار هم باید برای خودشان برنامه‌ای در نظر بگیرند وگرنه به جز افسردگی و سایر عواقب احتمالی، دور ماندن از اصل پیشرفت و تعالی معنوی نیز گریبانگیر آنها خواهد شد.

#### برنامه‌ای برای همه خانواده

در مدیریت خانواده باید به نقش اعضا و مسئولیت‌هایی که هر کسی با توجه به جایگاه و سنش می‌تواند بر عهده بگیرد، توجه کنیم. بهترین راهکار این است که دور هم جمع بشویم و در این

با دیدن کلمه برنامه‌ریزی خیلی‌ها هستند که به یاد کنکور می‌افتند، اخم‌هایشان در هم می‌رود و یا اینکه تبسم می‌کنند. این اخم و لیخند، نه به کنکور، که به همان برنامه‌ریزی برمی‌گردد؛ اگر خوب بوده نتیجه مثبتی داشته و اگر بد بوده منجر به شکست شده است. بسیاری از مردم هم هستند که برنامه‌ریزی را فقط برای اهداف موقتی می‌دانند و از مزایای این مسأله برای کل زندگی، بی‌اطلاع هستند. متأسفانه برخی از ما مسلمان‌ها در این دسته قرار می‌گیریم. این در حالیست که در آموزه‌های اسلامی و احادیث، تأکیدات زیادی در این زمینه وجود دارد. تا جایی که پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «برنامه‌ریزی نادرست ائت خویش بیماناک هستند.» (۱)

امام صادق (ع) نیز در کلامی لفظ «تدبیر فی المعیشه» را به کار برده و می‌فرماید: تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی، از دین داری است. (۲) از این سخن اینطور برمی‌آید که یکی از وجوه تمایز انسان دین‌دار با بقیه، در همین برنامه‌ریزی و تدبیر می‌باشد. اکنون که ما دغدغه اصلاح سبک زندگی داریم و می‌خواهیم زندگی خود را بر اساس سبک اسلامی-ایرانی اداره کنیم، باید توجه کنیم که بدون داشتن برنامه و مدیریتی مناسب نمی‌توانیم نتیجه مطلوبی بگیریم.

برنامه‌ریزی دو نوع است، کوتاه مدت و بلند مدت. البته برخی نوع سومی یعنی برنامه میان مدت را نیز در نظر می‌گیرند. این سه نوع، تمام اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی مثل هدفهای ورزشی، معنوی، درسی و... را دربرمی‌گیرد. بعلاوه برنامه‌ها باید انعطاف‌پذیر باشند و جایی برای جبران و موارد پیش‌بینی نشده وجود داشته باشد.

#### مدیریت زمان و اقتصاد

مدیریت زمان را می‌توان هم ابزار و هم هدف برنامه‌ریزی دانست. این محور اصلی را در دو بخش فردی و خانوادگی بررسی می‌کنیم.

نویسنده: soode

# باش داشته برنامه

دین داری یعنی برنامه‌ریزی





فرزندان) نباید غافل شویم. خانواده‌ای که از ابتدا خود را از مسائلی همچون چشم و هم‌چشمی، ریخت و پاش، تجملات و سایر مواردی که منجر به خرج‌های غیرضروری می‌شوند و خسارت‌های مادی و روحی به بار می‌آورند، دور نگه داشته باشد، در زمینه مدیریت اقتصادی نیز جلوتر از سایرین حرکت می‌کند. اگر به فرزندان آموخته باشیم که به آنچه هست قناعت کنند، در مواردی که خدای نکرده بحران‌های مالی به وجود می‌آید، می‌توانند به خوبی با شرایط کنار بیایند و به حداقل داشته‌ها اکتفا کنند.

اگر از زمان کودکی، مسئولیت‌های کوچکی به فرزندان بسپاریم و این روحیه را در آنان تشویق کنیم، وقتی به سن نوجوانی رسیدند می‌توانند در کسب درآمد به خانواده کمک کنند. البته امروز تفکر غالب والدین اینگونه است که ما باید بدویم و کار کنیم تا بچه‌ها در رفاه کامل باشند و فقط به تحصیل و کلاس‌های هنری و ورزشی خود برسند. در صورتی که تا همین چند سال پیش، شاید زمان کودکی خود ما پدر و مادرها، پسر بچه‌ها تابستان را به آموزش حرفه و شاگردی زیر دست استادکارها می‌گذراندند و تجربه پول درآوردن و چگونه خرج کردن آن را به دست می‌آوردند.

#### پس انداز و ثبت دخل و خرج

پس انداز را باید همان ابتدای دوره مالی از روی درآمدمان برداریم و کنار بگذاریم. ابتدا از مبلغی کم، پس انداز کردن را شروع کنیم و پله پله آن را افزایش دهیم. گاهی وقت‌ها پیش می‌آید که پولمان از آنچه فکر می‌کردیم زودتر تمام می‌شود و ناگهان به مشکل برمی‌خوریم و نمی‌دانیم که آن پول چگونه خرج شده است. برای جلوگیری از این اتفاقات، ثبت کردن هزینه‌ها بهترین گزینه است. امروزه می‌توانیم به راحتی یک نرم‌افزار حسابداری خانگی یا شخصی در گوشی خود نصب کنیم تا هیچ هزینه‌ای از قلم نیفتد. البته یک مداد و دفترچه کوچک هم، می‌تواند این کار را برایمان انجام دهد!

#### خلاصه کلام

یکی از فواید مهم برنامه‌ریزی، تقویت اراده است، مخصوصاً برای افرادی که ضعف اراده دارند و مدام کارها را به بعد موکول میکنند. داشتن برنامه‌ای که خود را ملزم به اجرای آن بکنیم، علاوه بر نظم بخشیدن به زندگی، می‌تواند اوقات مرده‌ای را که قبلاً هدر می‌دادیم، بهینه‌سازی کند و در نهایت ما را سریع‌تر به رشد و تعالی مادی و معنوی برساند. تلاش کافی در جهت دستیابی به منافع اقتصادی نیز در صورتی که با یک سری اصول همراه باشد اقتصاد خانواده را سالم و پایدار می‌نماید.

۱. عوالی الآلی، جلد ۴، صفحه ۴۹، حدیث ۱۳۴.

۲. الامالی طوسی، صفحه ۶۷۰، حدیث ۱۴۱۰.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۱.

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ذیل واژه «سرف».

۵. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۸۴.

برنامه‌ریزی به جز پدر و مادر، نظر سایر اعضای خانواده را مخصوصاً نوجوانان بالای ۱۴ سال (که در برنامه تربیتی اسلام، وزیر و مشاور خانواده محسوب می‌شوند) جویا شویم.

مثلاً یک شب را اختصاص بدهیم به دید و بازدید و صلح‌رحم، یک شب مخصوص رسیدگی به کارهای عقب مانده خانه مثل تعمیر یا جابجایی و غیره باشد. روز جمعه اختصاص به تفریح خانوادگی مثل گردش در طبیعت باشد. نکته مهم این است که ما این برنامه را برای خود، لازم الاجرا بدانیم و طوری به آن عمل کنیم که دیگران هم بدانند برنامه خانوادگی ما این است و به ندرت ممکن است آن را تغییر دهیم.

این مدیریت زمان می‌تواند از یک هفته شروع شود و بعداً به دوره‌های زمانی طولانی‌تر، یعنی ماه و سال تعمیم پیدا کند. برای مثال، در این ماه یک مهمانی خانوادگی برگزار کنیم، یک شب شام را در رستوران بخوریم و ... یا اینکه در این فصل سال به مسافرت برویم.

#### تدبیر و برنامه‌ریزی اقتصادی

مبحث اقتصادی زیرمجموعه‌های متعددی را در بر می‌گیرد: سلامت و بهداشت، تغذیه، مسکن، پوشاک، حمل و نقل، تحصیل و حتی سلامت روانی افراد در خانواده تا حدی تحت تاثیر مسائل اقتصادی است. با رعایت چند اصل مهم زیر می‌توانیم به اقتصاد خانواده خود کمک کنیم:

#### ۱) توجه به دستورات اقتصادی و توصیه‌های اخلاقی اسلام

در سبک زندگی ایرانی-اسلامی پیش از هرچیز باید حلال بودن درآمد را مدنظر داشته باشیم و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. در کارمان صداقت داشته باشیم و آن را درست انجام دهیم، مثلاً اگر کاسب هستیم کم فروشی نکنیم و دروغ نگوئیم، اگر کارمند هستیم، کار را سر وقت انجام دهیم، اگر کارگر هستیم کار را کامل کنیم و ... باید برای جدا کردن خمس و یا زکات مالمان هم زمانی را مشخص سازیم و حساب سال مالی خود را داشته باشیم.

توصیه‌هایی مثل پرهیز از اسراف و تبذیر، قناعت و اهتمام به ساده‌زیستی از جمله آموزه‌های اخلاقی هستند که می‌توانند در پیش برد اهداف مالی خانواده نقش مهمی داشته باشند. البته در کنار این‌ها سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع) همواره تاکید بر کار و تلاش برای کسب روزی را نشان می‌دهد، در واقع نباید قناعت و زندگی ساده را به معنای تبلی و سستی بدانیم.

در معنای اسراف آمده: «هر کار و عملی را که انسان انجام می‌دهد و از حد و اندازه خود تجاوز و زیاده روی کند آن اسراف است.» (۴) زیاده روی در هر کاری حتی انفاق کردن را اسراف می‌گویند ولی تبذیر زیرمجموعه اسراف است و بیشتر به زیاده روی و ریخت و پاش در موارد مصرفی در زندگی اطلاق می‌شود.

قناعت نیز در لغت به معنای بسنده کردن به مقدار کم، از کالای مورد نیاز و رضایت به چیزی است که نصیب شخص می‌شود. (۵) قناعت معمولاً در برابر حرص و طمع به کار می‌رود و فرد قانع، حتی با وجود اینکه برای معاش خود تلاش می‌کند، اگر کم به دست آورد، راضیست و غصه و حرص نمی‌خورد.

#### ۲) همکاری خانوادگی

از تاثیر شیوه تربیتی خانواده (از ابتدای تشکیل زندگی تا تربیت

# بسم رب الشهداء و الصدیقین

ارسال شده توسط: mamitavanim92

## بسم رب الشهداء و الصدیقین

اگر چه خود را بیشتر از هر کس محتاج وصیت و پند و اندرز می‌دانم، قبل از آغاز سخن از خداوند منان تمنا می‌کنم قدرتی به بیان من عطا فرماید که بتوانم از زبان یک شهید، دست به قلم ببرم چرا که جملات من اگر لیاقی پیدا شد و مورد عفو رحمت الهی قرار گرفتم و توفیق و سعادت شهادت را پیدا کردم، به عنوان پرافتخار آفرین وصیای شهید خوانده می‌شود.

خدایا تو را گواه می‌گیرم که در طول این مدت از شروع انقلاب تاکنون هر چه کردم برای رضای تو بوده و سعی داشتم همیشه خود را مورد آزمایش و آموزش در مقابل آزمایش‌ها قرار دهم. امیدوارم این جان ناقابل را در راه اسلام عزیز و پیروزی مستضعفین بر متکبرین بپذیری. خدایا هر چند از شکستگی‌های متعدد استخوان‌هایم رنج می‌برم، ولی اهمیتی نمی‌دادم؛ به خاطر این‌که من در این مدت چه نشانه‌هایی از لطف و رحمت تو نسبت به آن‌هایی که خالصانه و در این راه گام نهاده‌اند، دیده‌ام.

خدایا، ای معبودم و معشوقم و همه کس و کارم، نمی‌دانم در برابر عظمت تو چگونه ستایش کنم ولی

همین قدر می‌دانم که هر کس تو را شناخت، عاشقت شد و هر کس عاشقت شد، دست از همه چیز شسته و به سوی تو می‌شتابد و این را به خوبی در خود احساس کردم و می‌کنم. خدایا عشق به انقلاب اسلامی و رهبر کبیر انقلاب چنان در وجودم شعله‌ور است که اگر تکه‌تکه‌ام کنند و یا زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار گیرم، او را تنها نخواهم گذاشت و به عنوان یک فردی از آحاد ملت مسلمان به تمامی ملت خصوصاً مسئولین امر تذکر می‌دهم که همیشه در جهت اسلام و قرآن بوده باشید و هیچ مسئله و روشی شما را از هدف و جهتی که دارید، منحرف ننماید.

دیگر این که سعی کنید در کارهایتان نیت خود را خالص نموده و اعمالتان را از هر شرک و ریا، حسادت و بغض پاک نمایید تا هم اجر خود را ببرید و هم بتوانید مسئولیت خود را آن‌چنان که خداوند، اسلام و امام می‌خواهند، انجام داده باشید این را هرگز فراموش نکنید تا خود را نساازیم و تغییر ندهیم، جامعه ساخته نمی‌شود.

والسلام و علیکم و رحمه الله و برکاته

ابراهیم هادی پور





# خاکپایان افکار

ارسال شده توسط: salam110

علامه شهید، آیت الله سید محمد باقر صدر، یکی از بزرگترین اندیشمندان مسلمان و به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکر اسلامی» در تاریخ ۲۵ ذی قعدة ۱۳۵۳ قمری مطابق با روز دحوالارض، زادروز ابراهیم خلیل به دنیا آمد. وی پس از مدتی تحصیل علم در محضر برادر بزرگوارش در ۱۱ سالگی رهسپار نجف شد و پیش از رسیدن به سن بلوغ به مرحله اجتهاد رسید و در پانزده سالگی صاحب فتوا شد. خود او می فرماید: من از وقتی به بلوغ رسیدم از کسی تقلید نکردم.

سید کاظم حسینی حائری نقل می کند: به یاد دارم مناقشه ای میان شهید صدر و استادش سید ابوالقاسم خویی در خصوص مسائل حج روی داد، او توانست ظرف یک ساعت یا کمتر بیش از ده فتوای آقای خویی در خصوص مسائل حج را تغییر دهد! وی همزمان با تحصیل، آموخته های خود را به خواهرش بنت الهدی نیز تعلیم می داد و ایشان نیز با همتی بسیار تحصیلات خود را در زمینه ی فقه، علم حدیث، اخلاق، تفسیر و سیره نزد دنبال کرد و جهت احیاء فرهنگ غنی اسلامی به تربیت دختران و زنان مسلمان پرداخت.

شهید صدر با روی کار آمدن حزب بعث با صدور فتوایی، پیوستن به حزب و هرگونه همکاری با آن را تحریم کرد. این فتوا، تکلیف مردم را روشن ساخت و مردم از پیوستن به حزب و عضویت در آن پرهیز کردند. ایشان از حامیان امام(ره) و انقلاب اسلامی بود. شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود که در مسجد جواهری نجف اشرف به منبر رفت و از انقلاب اسلامی ایران سخن گفت و تکلیف مردم عراق را در برابر حکومت ضد دینی بعثی، معین کرد: قیام!... نامه هایی نیز به شاگردان و مریدانش در ایران نوشت و به آنان دستور داد که با مردم انقلابی ایران همگام شوند و به آنان گفت: «در خمینی ذوب شوید همان گونه که او در اسلام ذوب شده است.»

فعالیت های انقلابی شهید صدر سبب شد اولین مرجع تقلیدی باشد که ۴ بار طعم زندان را چشیده است. در سومین بازداشت، او را بین شهادت و برائت از انقلاب ایران مخیر کردند و جواب شنیدند: «من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان \_ و نه تنها عراق و ایران \_ مسئولم باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است!»

همان روز بنت الهدی، در حرم امام علی(ع) سخنرانی کرد و از مردم خواست که به خیابانها بریزند و همینگونه نیز شد و رژیم برای ایجاد آرامش و جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، مجبور شد که آیت الله صدر را آزاد کند. اما این نهایت کار نبود و اقدام بعدی رژیم ۹ ماه حبس خانگی و تحریم غذایی ایشان بود تا یا ایشان را همراه خود کنند و به عنوان مرجع تقلید عرب در برابر امام معرفی کنند و یا با حساسیت زدایی از حوزه و مردم نسبت به سرنوشت وی، زمینه قتل او را فراهم کنند. در این ۹ ماه کسانی که پنهانی به وی غذا می رساندند اعدام می شدند و ۴ بار نیز پنهانی به وی سوء قصد شد ولی خداوند چنین خواسته بود تا دست های علنی حاکمان جور در شهادت ایشان، بیداری مردم را رقم زند.

سر انجام، رژیم بعث در ۱۶ فروردین ۱۳۵۹ برای چهارمین بار او را بازداشت و فردای آن نیز، اقدام به دستگیری بنت الهدی کردند تا به گفته خودشان، بعد از حسین، زینبی دیگر را باقی نگذارند! و این خواهر و برادر همانگونه که در تحصیل و مبارزه همپای هم بودند، در شهادت نیز از هم جدا نشدند.



# ابر قدرتی بنام مردم بمناسبت سالروز قطع رابطه ایران و آمریکا

نویسنده: ۱۱۰ سلام

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، و حاکمیت تفکر نه شرقی نه غربی در کشور، نبرد بین «مردم» و «شرق و غرب» وارد مرحله دیگری شد. با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، آمریکا به اقدامات قهرآمیزی دست زد تا بلکه «مردم» در ایران و بقیه کشورهای جهان بدانند که با ابرقدرتی مثل آمریکا نمی‌توان درافتاد، آن هم با دست خالی!

اما در برابر هر اقدامی از طرف آمریکا، مردم عکس‌العملی شدیدتر نشان دادند. این کارزار ادامه پیدا کرد تا جایی که مردم موفق شدند دولت آمریکا را از صحنه سیاست ایران حذف کنند.

با بررسی روزنامه‌های کیهان، جمهوری اسلامی و اطلاعات از آبان ۵۸ تا فروردین ۵۹ بیش از ۱۰۰۰ سند در زمینه مبارزه مردمی با آمریکا جمع آوری شد که به اختصار چند مورد از حوزه‌های درگیری و پاسخ مردم به اقدامات آمریکا آورده شده است:

## ۱- روزه سیاسی:

کارتر ایران را تهدید به تحریم اقتصادی کرد، امام فرمود: «ما از تحریم نمی‌ترسیم. ما روزی یک وعده غذا می‌خوریم، ما روزه می‌گیریم.» مردم روزه گرفتند. مساجد افطاری توزیع کردند و حتی صدا و سیما برنامه‌های ویژه افطار و سحر پخش کرد.

## ۲- ارتش ۲۰ میلیونی:

کارتر ایران را به حمله نظامی تهدید کرد. مردم به خیابانها ریختند و از امام درخواست اعلام جهاد مسلحانه علیه آمریکا کردند. امام فرمود ملتی که ۲۰ میلیون جوان دارد باید ارتش ۲۰ میلیونی داشته باشد. بسیج تشکیل شد.

## ۳- تحریم متقابل:

مردم کالاهای آمریکایی را دور ریختند و از مسئولین درخواست کردند کالاهای آمریکایی را تحریم کنند.

## ۴- حمایت مردمی:

چندین بار مسئولین حرفه‌ای زدن که بوی سازش و معامله با آمریکا می‌داد. مردم کفن‌پوش از کرمانشاه و گرمسار و قم و ... با پای پیاده خود را به لانه جاسوسی رساندند و از دانشجویان حمایت و به مسئولین اعتراض کردند.

## ۵- صدور انقلاب:

مردم پاکستان، هند، لبنان، تایلند، کویت و... به سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای خود حمله کردند و خواستار قطع رابطه با آمریکا شدند.

## ۶- جشن قطع رابطه:

برای اولین بار در تاریخ، آمریکا اقدام به قطع رابطه با یک کشور کرد. امام فرمود کارتر اگر یک کار درست در تمام زندگی‌اش کرده باشد همین یک کار است و مردم اگر جشن بگیرند حق دارند. مردم چندین روز در تمام کشور جشن گرفتند.

## ۷- اقتصاد مردمی:

با تحریم اقتصادی، اقشار مختلف مردم ضمن برگزاری جشن و ابراز شادمانی از اعمال تحریم و قطع رابطه با آمریکا، در مصاحبه‌ها و بیانیه‌ها و نوشته‌ها در خصوص تلاش برای خودکفایی و رهایی از اقتصاد وابسته، راهکارهایی ارائه دادند.

از جمله اقداماتی که مردم در راستای سیاست‌های اقتصادی که در آن برهه و توسط دولت، «اقتصاد جنگی» نامگذاری شده بود صورت گرفت، می‌توان به روزه‌های سیاسی، درخواست کسر حقوق، در

### پیام کانون شوراهای اسلامی کارگران به کارگران و دهقانان

کارگران عزیز! ما در این روزها شاهد یک انقلاب عظیم هستیم. ما در برابر دشمنان خود ایستاده‌ایم و با تمام قوا در حال مبارزه هستیم. ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است. ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است. ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است.

ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است. ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است. ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است.

ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است. ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است. ما به شما می‌گوییم که این روزها روزهای مبارک و شادمانی است.

### انجمن اسلامی ثبت اسناد کشور: آماده جایگزینی هستیم در صورت اعتصاب در کارخانجات

جناب آقای دکتر بنی صدر ریاست جمهور

ما اعضای انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با تأیید مجدد و پشتیبانی کامل از برنامه‌های انقلابی ریاست جمهوری محبوب مخصوصاً در این موقعیت حساس

۱- اعضای انجمن در اجرای فرمان مقدس امام است در صورت اعتصاب افراد معترض در ادارات و کارخانجات تولیدی جان بر کف آماده هر گونه همکاری و جایگزینی اسناد

بومی مخصوصاً پاسداران منطقه استفاده شود در غیر اینصورت اعضای انجمن حاضر به پاسداری از منابع و خطوط مسدود و عزیمت به محل‌های تعیین شده میباشند.

### نگارخواهی

# گرسنگی می خوریم، آمریکا را تحمل نمی کنیم

## مسئولین معتقدند: قطع رابطه آمریکا سود ایران است



مردم می گویند: آمریکا را تحمل نمی کنیم

مسئولین معتقدند: قطع رابطه آمریکا سود ایران است

بدری موافقت کردند و اجرای دستورالعمل ها را...

در روزهای اخیر، مردم ایران با شعار «گرسنگی می خوریم، آمریکا را تحمل نمی کنیم» تظاهرات گسترده ای در سراسر کشور برگزار کردند. این شعارها نشان دهنده نارضایتی عمیق مردم از وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور است.

مسئولین دولتی و نظامی معتقدند که قطع روابط با آمریکا می تواند به نفع ایران باشد. آن‌ها استدلال می کنند که وابستگی به آمریکا مانع از توسعه اقتصادی و استقلال سیاسی کشور شده است.

این تظاهرات با حضور گسترده مردم و شعارهای «امریکا را تحمل نمی کنیم» و «گرسنگی می خوریم» همراه بود. مردم خواستار تغییر سیاست‌های دولت و پایان دادن به تحریم‌ها شدند.

در ادامه، مسئولان اعلام کردند که دولت در حال بررسی این مطالبات است و تلاش خواهد کرد تا با کاهش وابستگی به آمریکا، اقتصاد کشور را تقویت کند.

خواست کارکنان دولت برای شرکت در فعالیت های کشاورزی و جایگزینی در صنایع در صورت اعتصاب کارگران و صرفه جویی در مصرف کالا بویژه در ادارات می توان اشاره کرد که نمونه هایی از آن به شرح زیر است.

\* اتحادیه کارکنان رادیو و تلویزیون پیشنهاد صرفه جویی در مصرف کالاهای مصرفی صنایع امپریالیستی از جمله فیلم، نوار و باتری را مطرح کرد و اولویت دادن به تهیه و تولید برنامه های ضد امپریالیستی را در دستور کار خود قرار داد.

\* در نمونه دیگر کارکنان اداره کل کار و امور اجتماعی استان مرکزی از رییس جمهور تقاضا کردند برای کمک به کشور، ۱۵ درصد از حقوقشان کم شود و بدون دریافت مزایا، اضافه کاری انجام دهند. \* اعضای انجمن اسلامی ثبت اسناد کشور نیز اعلام آمادگی خود را جهت جایگزینی در کارخانجات در صورت اعتصاب کارگران، اعلام کردند.

\* برای احیاء کشاورزی نیز ملت مسلمان و انقلابی ایران به صورت دسته جمعی با حضور در روستاها هم به کشاورزان در چیدن محصولات کمک می کردند و هم با طرح مسائل روز، روستاییان را با مسائل سیاسی و اجتماعی آگاه می ساختند. مساجد و ادارات شهرهای مختلف، مرکز هماهنگی جهت چنین سفرهایی بود.

\* گروهی از کارمندان شرکت هما نیز درخواست کردند تا در فعالیت های تولیدی شرکت کنند تا در این جنگ خدایی سرمشقی حقیقی برای استثمارشده های دنیا باشند.

### ۸- شهادت بیژن عطایی آشتیانی در آمریکا:

بدنبال تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران، موج عظیم تبلیغاتی غرب علیه ایران شدت گرفت و اجازه نداد تا جهانیان صدای حق خواهی ملت مظلوم ایران را بشنوند. در این هنگام دانشجویان ایرانی در هر کجا از جهان قرار داشتند این رسالت را به دوش گرفتند تا حقایق انقلاب اسلامی و آرمان های آن را به گوش ملت های آزاده جهان برسانند. نظام استکباری غرب که بار دیگر در این نبرد فرهنگی و تبلیغی، خود را شکست خورده دید، به اصل وحشیگری خود برگشت و با دستگیری و شکنجه و اخراج دانشجویان ایرانی سعی کرد مانع از روشنگری آنان شود.

بیژن عطایی آشتیانی یکی از این دانشجویان ایرانی است که پس از

سه ماه زندان و شکنجه، در ۲۶ فروردین ۵۹ در ایالت نبراسکای آمریکا به شهادت رسید. جرم او دفاع از انقلاب اسلامی و داشتن عکس امام خمینی در اتاقش بود. در ۲۸ فروردین ماه ۵۹، در حالی که ایران بخاطر قطع رابطه با آمریکا غرق در شادی و سرور بود، پیکر پاک این شهید بزرگوار از جلوی لانه جاسوسی آمریکا تشییع شد.

خردادماه ۵۹ طی نامه ای از سوی امام خمینی تصمیم گیری پیرامون گروگان های آمریکایی به مجلس شورای اسلامی سپرده شد. مسئولین گفتند مذاکره می کنیم تا جنگ تمام شود و تحریم های اقتصادی برداشته شود. پس مذاکره را آغاز کردند و در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۵۹ (برابر با ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱) با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی دولت های ایران و ایالات متحده آمریکا پایان یافت و توافق صورت گرفت اما جنگ تمام نشد، تحریم ها برداشته نشد و برعکس بعد از ۳۰ دی هم جنگ شدت گرفت و هم ترور منافقین بیشتر شد و سال ۶۰ کشته های فراوانی از انقلاب گرفتند!

مذاکرات الجزایر آنقدر خفت بار بود که نماینده آمریکا گفته بود: دم سوخت، خودم چندتا امتیاز دادم! بازخوانی این برگ از تاریخ ایران نشان می دهد که مردم همیشه پای کار انقلاب خوش درخشیده اند اما مسئولین وقت در صحنه های مختلف این نبرد بارها کم آوردند و کشور را دچار بحران و مشکلات فراوان کردند.

## گروهی از کارکنان هواپیمائی خواستار شرکت در کارهای تولیدی شدند.

گروهی از کارکنان هواپیمائی ملی ایران «هما» طی اطلاعیه ای خطاب به رئیس جمهور خواستار شرکت اداریات و شرکت در کارهای تولیدی بویژه کشاورزی شدند.

متن اطلاعیه بدین شرح است: «من تبریک این عید بزرگ و عید اولین قدم رهائی بخش از ستم ستمگران به رهبری امام امت ما کارمندان (هما) دعوت شما را لبیک گفته و بر آن شدیم که در راه استقلال و آزادی ایران نخستین گام را برداریم. با توجه به نیاز روز افزون مملکت به امر تولید این تنها راه اعلام میداریم.»

نجاتبخش استعمار ا آمادگی را در اشتقا کشا امکا ناد

۱- آسندگانمان در

## تقاضای کسر حقوق

تهران- خبرگزاری پارس- کارکنان اداره کل کار و امور اجتماعی استان مرکزی از اک در این موقع که مملکت در حال مبارزه سیاسی و اقتصادی با امپریالیسم غرب به سر کردگی آمریکا است بآدر نظر گرفتن اقتصادی دوران حکومت دگتر محمد مصدق وبسمنظور چربرای کسر ۱۵ درصد از حقوق و مزایای ایران در مقابله با آمریکا آمادگی خود امکانات مالی دولت وهمچنین انجام اضافه کار بدون دریافت اعلام میداریم.

وظایف ضلعمای امپریالیستی خود را هر چه گسترش دهی انجام دهییم خود را

شورای موسس انقلاب کارکنان رادیو تلویزیون در خطاب به رئیس جمهور خواهان شرکت در کارهای تولیدی بویژه کشاورزی شدند.

تولید کننده های داخلی را حمایت کنید تا بتوانیم با کالاهای خارجی رقابت کنیم.

با افزایش تولید داخلی، وابستگی به کشورهای خارجی کاهش می یابد.

توسعه صنایع تولیدی باعث اشتغال روستاییان و کاهش فقر می شود.

کشاورزی بخش مهمی از اقتصاد کشور است و باید حمایت ویژه ای داشته باشد.

تعمیر و نگهداری ماشین های کشاورزی را تسهیل کنید.

توسعه زیرساخت های کشاورزی را در اولویت قرار دهید.

با افزایش تولید، درآمد دولت و رفاه مردم بیشتر می شود.

کشاورزی را به یک شغل باوقار و پردرآمد تبدیل کنید.

تعمیر و نگهداری ماشین های کشاورزی را تسهیل کنید.

توسعه زیرساخت های کشاورزی را در اولویت قرار دهید.

با افزایش تولید، درآمد دولت و رفاه مردم بیشتر می شود.

کشاورزی را به یک شغل باوقار و پردرآمد تبدیل کنید.



# قاتل الفرعون

گردآورنده: hamase

انور سادات در جریان مراسم رژه به مناسبت سالگرد جنگ رمضان در میان دولت‌مردان مصری نظاره‌گر پرواز هواپیماهای میراژ فرانسوی بود. اما او آن روز بر خلاف روزهای دیگر، جلیقه ضد گلوله خود را نپوشیده بود.

تقریباً نیمی از رژه تمام شده بود، اولین جرثقیل حامل توپ ۱۳۰ میلی‌متری با رسیدن به مقابل جایگاه از مسیر تعیین شده خارج و ناگهان متوقف شد. حاضران ابتدا گمان کردند که جرثقیل به علت نقص فنی از مسیر خارج شده است، اما لحظاتی بعد خالد به همراه دو مرد مسلح از عقب کامیون بیرون پریده و جایگاه را به رگبار بستند. در این تیراندازی سادات به همراه ۷ نفر دیگر از سران رژیم به قتل رسیده و ۲۸ تن دیگر مجروح شدند.

پس از بازجویی‌های اولیه، ۲۴ نفر از عوامل اعدام انقلابی سادات در دادگاه نظامی مصر محاکمه شدند. با ورود متهمان به دادگاه، خالد فریاد کشید: «انا خالد الاسلامبولی، انا قاتل السادات، انا قاتل الفرعون، انا قاتل الطاغوت، فی سبیل الله قمنا، لتبغی رفع اللوا، لا حزب عملنا، نحن للدين فداء، الله اکبر، لاله الا الله، علیها نحیا و موت، فی سبیلها نجاهد، علیها نلقى الله.» سرانجام در ۱۵ آوریل ۱۹۸۱ میلادی، ستوان یکم خالد اسلامبولی به اعدام محکوم شده و به درجه شهادت نایل آمد.

## وصیتنامه شهید خالد اسلامبولی:

بر شما باد التزام به احکام اسلام و عمل به قرآن و ترس از خداوند. من شما را به اطاعت از دستورات خداوند دعوت می‌کنم. خداوند ما را برای شهادت در راه خود انتخاب و هدایت کرد و ان شاء الله ما و شما را در بهشت در کنار یکدیگر جمع خواهد کرد. حاکم جامعه ما طغیان کرده و جباری را پیشه خود ساخته است. امت اسلامی راهی برای خلاصی از او ندارد مگر با قتل او... مادرم! ناراحت نباش، چون ما به اذن خداوند در زمره شهدا هستیم. نامه من زمانی به شما خواهد رسید که در دنیای آخرت قرار داریم...

ما با هم تصمیم گرفتیم که فرعون مصر را به قتل برسانیم تا شاید خداوند به خاطر این کار، ما را از ننگ دوستی با صهیونیست‌ها که دامن ما را گرفته و فساد روحی و اخلاقی سادات و همسرش را در جامعه علنی ساخته است نجات بخشد. اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله

ستوان خالد احمد شوقی اسلامبولی رهبری اعدام کنندگان انور سادات را برعهده داشت. او در سال ۱۹۵۷ در منطقه (ملوی) از توابع استان الصید مصر به دنیا آمده بود. خالد در خانواده خود یک برادر و چهار خواهر داشت. پدر وی احمد شوقی وکیل حقوقی یک شرکت بود و مادرش قدریه علی یوسف نام داشت. خانواده اسلامبولی، خانواده‌ای تحصیل کرده و آگاه به شرایط روز مصر و البته مبارز به شمار می‌رفتند. خالد نیز که پس از رد شدن در امتحان ورودی برای خلبان شدن، به مدرسه عالی توپخانه پیوسته بود، در سال ۱۹۷۸ با رتبه ممتاز فارغ التحصیل شد. او پس از فارغ التحصیل شدن به واحد توپخانه مستقر در پادگان «کستیب» معرفی شد و مشغول به کار گردید.

رفت و آمدهای خالد به مسجد «انصار المحمدیه» موجب شد او در سال ۱۹۸۰ توسط اداره اطلاعات نظامی احضار شود و مورد بازجویی قرار گیرد. ثبت «خطرناک بودن خالد اسلامبولی» در پرونده وی حاصل این بازجویی بود. در این هنگام او با سازمان جماعت اسلامی آشنا شد و با «عبدالسلام فرج» روابط دوستانه‌ای برقرار کرد. عبدالسلام فرج به خالد می‌گفت: «در کشورهای اسلامی - به خصوص مصر - کفار حاکم می‌باشند و وضعیت آن اصلاح نخواهد شد مگر با حکومت و تطبیق احکام شریعت. حاکمان فعلی مانند حکام مغولی می‌باشند و عصر سیاهی که الآن مصر در آن به سر می‌برد شبیه به عهد مغولان است؛ عصری که جز با سقوط نظام کافر به پایان نخواهد رسید.

پس از آنکه محمد انور سادات رئیس جمهور معدوم مصر در حضور جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا و مناخم بگین رییس رژیم صهیونیستی با امضاء قرارداد کمپ دیوید موجب مشروعیت دادن به موجودیت رژیم اشغالگر صهیونیستی گردید و این رژیم سرطانی را به رسمیت شناخت، بسیاری از نیروهای عرب علیه چنین امری موضع گرفته و وی را خائن به جهان اسلام و آرمان فلسطین دانستند. بر همین اساس بود که عده‌ای از جوانان مصری در پاسخ به عمل ننگین انور سادات در صدد پاسخ برآمدند. در سپتامبر ۱۹۸۱ وی از جانب سرگرد «مکرم عبدالعال» به شرکت در مراسم رژه ۶ اکتبر و هدایت ۱۳ جرثقیل حامل توپ، مامور شد. وی برای شرکت در این مراسم بیشتر از یک هدف نداشت و آن برنامه‌ریزی برای قتل انور سادات بود.



اعتكاف چیزی از جنس کربلا



اقتصاد بدون نفت



با ولی بودن



بهار دلنشین



زوزه های گرگ



سخنرانی زیبای دخترچه مشهدی



شهدای مدافع حرم



گله از گرگ




مستند کلاهک موشکی ۳۶ دقیقه



شادی های گلوگیر 


میزبانت را بشناس 

چگونه با اخلاص شویم؟ 

همسرت یزید نیست 

انقلابی که از غدیر شروع شد 

راهیان عشق 

دعا را خراب نکن! 

اقتصاد مقاومتی 

منم باید برم 

# چرا عزل شد؟

## ممنتظری

در سال ۱۳۶۶، مجلس خبرگان رهبری، با آن که امام خمینی(ره) همچنان در قید حیات بودند، آیت الله منتظری را به عنوان قائم مقام رهبری برگزید بی آن که کسی از این سخن بگوید که سمتی با عنوان «قائم مقام رهبری» چه جایگاهی در قانون اساسی دارد و از کدامین منظر چنین سمتی خلق و ابداع شده است؟ در این بین مهمترین سؤال در ارتباط با انتخاب آیت الله منتظری به عنوان قائم مقام رهبری این است که آیا با امام(ره) در مورد انتخاب ایشان مشورت شده بود یا خیر؟

اولاً حضرت امام به وضوح در نامه ۶ فروردین ۱۳۶۸ به آیت الله منتظری تصریح کرده است که با توجه به ساده لوحی و القاپذیری و نداشتن ظرفیت‌های لازم جهت رهبری، از ابتدا با انتخاب وی مخالف بوده‌اند. ثانیاً امام در همان مقطع زمانی در دیدار با آیت الله محمدی گیلانی نیز مخالفت خود را از این انتخاب ابراز کردند.

آیت الله محمدی گیلانی در خاطرات خود در این باره می‌گوید: «روزی آقای هاشمی رفسنجانی در حضور جمعی گفت: من بعد از ظهر رفتم خدمت امام. امام فرمودند: موضوع قائم مقامی آقای منتظری را فردا مطرح نکن. گفتم چرا؟ ما در اجلاس قبل به آقایان گفته‌ایم که ایشان را به عنوان قائم مقام مطرح کنیم. امام فرمودند: نه! یکی از دوستان آمده و چنین گفته... گفتم: ما اعلام کرده‌ایم. نمی‌شود!»

سال‌ها بعد و در جریان عزل آیت الله منتظری، امام در جمع عده‌ای فرمودند: «من باور نمی‌کردم پس از آنکه آقای منتظری صریحاً برای مجلس خبرگان عدم آمادگی خود را اعلام و از پذیرفتن مسئولیت قائم مقامی عذر خواست خبرگان، [باز هم] ایشان را به این مقام منصوب کند و لا من ساکت نمی‌نشستم و نمی‌گذاشتم که این برنامه اجرا شود»

به هر ترتیب آیت الله منتظری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از شخصیت‌های انقلابی مبارز که هم به لحاظ سابقه آشنایی و هم به لحاظ فعالیت‌های مبارزاتی و علمی مورد علاقه

شدید امام بود اما در ماجرای قائم مقامی تا عزل از این مقام، هزینه و رنج فراوانی به نظام و امام وارد ساخت.

قبل از بررسی علل برکناری آیت الله منتظری ضروری است به ویژگی‌های شخصیتی وی اشاره‌ای کنیم زیرا عملکرد انسان‌ها فرایندی از خصیصه‌های ذاتی و اکتسابی آنهاست:

- ۱- فردی با سابقه مبارزات طولانی
  - ۲- صاحب نام در فقه
  - ۳- داشتن جای پا در حوزه
  - ۴- شجاعت
  - ۵- شهرت در نزد مردم
  - ۶- لجاجت، خود محوری، عُجب و غرور، تاثیر پذیری و بهانه جویی
- پس از اعدام مهدی هاشمی، به روشنی می‌توان تبلور برخی صفات رذیله را در گفتار و رفتار وی مشاهده کرد.

آیت الله منتظری در یکی از سخنرانی‌های خود درباره جنگ به صراحت علیه امام می‌گوید: «دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کار درآمدند و چقدر نیرو و جوانان از دست ما رفت و چه شهرهایی که خراب شد، چقدر شعارهایی دادیم که غلط بود و خیلی از آنها ما را در دنیا منزوی کرده، در جنگ خیلی اشتباه کردیم و خیلی جاها لجبازی کردیم. به حرف و تذکرات افراد عاقل در داخل و خارج که وساطت کردند توجه نکردیم.. حالا باید جبران کنیم و مواظب باشیم که حالت لجاجت، گوش نکردن به حرف و نصیحت دیگران، خودمحوری‌ها، کنار زدن نیروهای خوب، بی‌اعتنایی به افراد و ... را کنار بگذاریم.»

وی در تعاریفی، خود را پایه‌گذار انقلاب توصیف می‌کند: «من با این همه سوابقی که در انقلاب داشتم... من دوم شخص انقلاب بودم با این که تعریف کردن جایز نیست من وقتی در انقلاب فعالیت داشتم و همین‌طور فرزند شهید من... در آن وقت ما پرچمدار انقلاب بودیم، زندان‌هایش را رفتیم، کتک‌هایش را هم خوردیم... چون نسبت به انقلاب از پایه‌گذاران انقلاب بودم... و حفظ انقلاب که خودم از پایه‌گذاران انقلاب بوده‌ام»

با انتخاب آیت الله منتظری به عنوان قائم مقام رهبری، نگرانی امام خمینی(ره) به خاطر نحوه رفتار، عملکرد و همچنین اطرافیان و بیت آیت الله منتظری دو چندان شد به ویژه که فردی مانند سیدمهدی هاشمی در کنار وی بود. مستندات از جمله خاطرات شخصیت‌ها و نیز نامه آقایان کروبی، امام جمارانی و سیدحمید روحانی نیز موید این نکته است: «شما علی‌رغم توصیه‌ها و تذکرات حضرت امام که از نجف درباره مهدی دید منفی داشت و نیز دوستان دلسوز، مهدی هاشمی را مسئولیت دادید و دست او را باز گذاشتید و در نتیجه دیدید که با بهره برداری سوء از امکانات به دست آورده به چه جنایاتی در ایران و افغانستان دست زد.»

«موضع امام علیه مهدی هاشمی در نجف اشرف که حتی به برادران روحانی نجف اجازه تحصن و اعتصاب برای نجات جان او را نداد آموزنده و پند آمیز است.»

پس از دستگیری و محاکمه سیدمهدی هاشمی، او از صفحه اول تا دهم پرونده خود کارهایی که انجام داده است را شرح می‌دهد که سرفصل‌های آن از این قرار است:

- اقرار به ساواکی بودن
- دعا به خانواده سلطنتی
- دستور قتل جهان سلطان و مهدیزاده
- دستور قتل مرحوم شمس آبادی، دستور قتل صفرزاده
- دستور قتل مهندس بحرینیان، دامن زدن به اختلاف سپاه و کمیته
- دستور اختفاء مقادیر قابل توجهی اسلحه و مهمات و مواد منفجره
- تحریک سپاه لنجان و سپاه‌های خمینی شهر، درچه و مبارکه به وحدت و ایستادن در مقابل سپاه اصفهان
- جعل و نشر اوراقی به نام طلاب و فضایی افغانی علیه وزارت خارجه
- جعل سند ساواکی بودن دکتر هادی و علیه بعضی روحانیون اصفهان
- دستور قتل عباسقلی حشمت و دو فرزندش
- انحلال سازمان نصر و درگیری و آدمکشی در آن
- جعل اسناد دولتی، نگهداری اسناد طبقه بندی شده
- چاپ و نشر اعلامیه‌هایی با عنوان‌های روحانیت بیدار علیه مسئولین نظام

با وجود همه این اتهامات که سیدمهدی هاشمی به آن‌ها معترف بود آیت الله منتظری تا آخرین لحظه از وی دفاع کرد و زمانی که وی در دادگاه عدل اسلامی به اعدام محکوم شد به صورتی عیان در مقابل نظام اسلامی ایستاد.

حاج سید احمد خمینی در رجنامه خود خطاب به منتظری می‌نویسد: «آیا مهدی‌هاشمی با ساواکی بودن و چندین فقره قتل، دعا به خانواده سلطنت، اختفای اسناد و مهمات مربوط به نظام و ده‌ها مسئله دیگر که گذشت، مفسد نبود؟ تازه با تمام این احوال شما می‌گویید اعتقاد کامل به نظام و اسلام داشت. اگر ایشان مفسد نباشد آیا مصداق مفسد را پیدا می‌کنیم؟

چگونه شما می‌گویید دیگر علاقه شخصی ندارید آیا آن همه مصیبت که شما برای اسلام و انقلاب در سطح جهان برای حفظ آقای مهدی‌هاشمی به بار آوردید - که همگی با صبر و بردباری آن را تحمل کردیم - از روی علاقه به مهدی‌هاشمی نبود؟ اگر شما نسبت به ایشان علاقه ندارید پس چرا برای امام نوشته‌اید که او را نکشید چرا که پیروزی بزرگی برای دشمنان اسلام به وجود می‌آید، چرا برای دیگران چنین نامه‌ای را نمی‌نویسید؟ این که نوشته‌اید چه بسا خون و اعدام خون

در پی دارد، حضرت آیت‌الله با کمال معذرت این دیگر خیلی عوامی است. چرا که باید قصاص اسلام را تعطیل کرد چون اولاً خون خون می‌آورد، ثانیاً کشته را نمی‌توان زنده کرد. این که من به این مسائل می‌پردازم برای این است که می‌خواهم ثابت کنم که شما در اطرافیان خود چنان حل شده‌اید که بدیهیات را هم منکرید.»

دومین مسئله مهمی که امام دیگر سکوت را جایز ندانند حمایت آیت الله منتظری از منافقینی بود که دستشان به خون هزاران شهید مظلوم و بیگناه آلوده بود. امام در نامه معروف خود به آیت الله منتظری خاطر نشان می‌کنند: «شما در اکثر نامه‌ها و صحبت‌ها و موضع گیری‌هایتان نشان دادید که معتقدید لیبرال‌ها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند. به قدری مطالبی که می‌گفتید دیکته شده منافقین بود که من فایده‌ای برای جواب به آنها نمی‌دیدم. مثلاً در همین دفاعیه شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلف و الوف رساندند و می‌بینید که چه خدمت ارزنده‌ای به استکبار کرده‌اید.»

آیت الله منتظری سه دوره زندگی را پشت سر گذاشت و در هر سه دوره تا روز پایانی عمر غرور و ساده لوحی در وی مشهود بود با نزدیک و نزدیک تر شدن منحرفین و جنایتکارانی بزرگ چون «مهدی هاشمی» به وی کار به جایی رسید که طومار انقلابی‌گری خود را درهم پیچید و در عمل مقابل امام خمینی و انقلاب ایستاد و حضرت روح الله که همواره نشان داده بودند جز به مصلحت اسلام و انقلاب نمی‌اندیشند وی را از قائم مقامی رهبری برکنار نمودند.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی



# ادب در ادب

نویسنده: sobhanshahidi

خدایگانِ همیان‌پرور خواستار شدند!  
و باز هم نقل است راهزنی راه کاروانی را بست و هر آنچه را داشتند  
ببرد و چند کلامی فحاشی به یادگار بگذاشت مردان کاروان به رسم  
ادب نه پی مال خود را بگرفتند و نه مانع راهزن بگشتند. مرچبا به  
آن طفل که در جمع مردان قافله گفت: «ادب مرد به ز دولت اوست»  
کلامی است صحیح اما «غیرت» مرد بهتر. مهتران وی را طفل دبستان  
خواندند و دهانش بستند آنهم با چک.

پس طفل را کشان کشان به بارگاه شیخ آورده و شرح واقعه کردند.  
شیخ نگاهی عاقل اندر سفیه به وی کرده و لبخندی زده و مریدان را  
ندا داد: این جوجه کلاغ جدیدالچی چی را رها کنید که صبح دولتمان  
دمیده و عنتقریب است به لطف راهاندازی جنگ نیابتی و سربازگیری  
از خاندانی صاحب نام آرای پنجاه میلیونی‌مان را در «گینس‌نامه»  
کدخدا ثبت کنند.»

طفل مظلومانه گفت: «ای شیخ! کمی هم کتاب جانوران بخوان که  
کلاغ را مغزی بسی بزرگتر از کرگدن گردن کلفت است.»!!  
پس مریدان فریادی برآورده و کلاغان را راهی خانه کردند.

اینجا تاریخ نویس یک جمله نوشتندی و بعد هم به روی خویش  
نیارود و ادامه داد: صفحات «آرمان» جان خانواده دوست همچنان  
آلبومی از اشک‌ها و لبخندهای شیخ ولرم منتشر کرده و پور آن سرباز  
جنگ نیابتی در صفحه «اونستاگرامش» نوشت آب زنید راه را ... جد و  
آباد مادری‌ام آمدند!!

و اینچنین بود که به لطف کاتب‌الدوله، در صفحات تاریخ از عاقبت  
زبان‌درازان تنها به این یک جمله بسنده شد:  
«کلاغه به خانه‌اش نرسید...»!

اصلا خیلی هم شیخ با ادب بوده.. چه کسی از بی‌ادبی حرف زد؟!!

منقول است از مبدا هستی تا کنون ادب در آرای مردمانگان بسیار رواج  
داشته و بی‌ادبان را در گذشته چنان صلابه بکشیدند و چنان فلفلی بر  
دهانشان بریختند که دیگر زبان از نیام برمی‌کشیدند. اما ایامی چند  
نگذشت که درب خانه مبارزه بی‌ادبان بسته شد و بی‌ادبان در  
اقصى نقاط زمین آزادانه گام برداشتند.

روزی روزگاری یکی از بی‌ادبان به همراه مریدان خود در حال بیان  
تذکره بودند که یکی از ملازمان، وجدانش بیدار گشته و وی را  
خطاب کرده بودند که: ای مراد! تو را چون گشته است که تذکره  
خطا واگویه می‌نمایی؟

مراد وی را «کلاغ» خطاب کرد و گفت: تو را چون شده است که در  
کار کهنسالان مداخله می‌جویی؟ هنوز پشت لبانت سبز نشده میان  
سخن بزرگان پرش می‌نمایی ای دهقان زاده قریه نشین؟!  
یاران و مریدان هرهرکرکر کنان، مراد را تحسین کردند و مرید بیچاره  
را ... خواندندی.

نقل است یکی از خویشان مراد، پدر مرید را سوخته خوانده و  
جناب بادیگاردالممالک نیز «شوت‌گان» مبارک بر شقیقه «کلاغ»  
سیاه‌رو گذاشته و تهدید به ارسال به «جهنم» نمودندی!  
پس از این وقایع ملازمان سینه چاک شیخ‌الخاطره سر بر  
آستان مبارک نهاده و حفظ دولت جواهرآسای وی را از





# حرم راز

نویسنده: parasto

راز، به اقتضای حرمتش باید پنهان و پوشیده بماند و گرنه راز نمی‌شود، در این هیچ تردیدی نیست. گفته‌اند غلامی طبق سرپوشیده‌ای بر سر داشت و خاموش و بی‌صدا در راهی می‌رفت. یکی از افراد، در راه به او برخورد و پرسید: در این طبق چیست؟ غلام چیزی نگفت. آن شخص به اصرار پرسید تا بداند زیر آن سرپوش که روی طبق کشیده‌اند چیست؟ غلام گفت: فلانی! اگر قرار بود همه افراد بدانند در طبق چیست، دیگر سرپوش روی آن نمی‌کشیدند!

رازهای درونی افراد نیز همین گونه است. اگر آن را به این و آن بگویید، از «راز» بودن می‌افتد.

**با مردم بیگانه مگو راز دل خویش  
بیگانه، دل راز نگهدار ندارد**

راز فاش شده، مثل یک زندانی گریخته از محبس است که بازگرداندنش به بازداشتگاه بسیار دشوار است.

تیری که از کمان رها گشت و گلوله‌ای که از سلاح شلیک شد، دیگر به کمان و سلاح برنمی‌گردد. «راز» همان زندانی است، همان تیر و گلوله است و دهان، و سینه تو، همچون زندان. مانند چله کمان و مانند خشاب اسلحه، تا وقتی که رها نشده، مصون و پنهان است، همین که از چنگت گریخت و از تفنگت شلیک گشت، دیگر از اختیار تو بیرون رفته است. اگر تا آن لحظه، راز در گروگان تو بود، اینک تو در گرو آنی.

به تعبیر زیبای امیر المومنین (ع) «سِرُّكَ أَسِيرُكَ، قِآنَ أَفْشَيْتَهُ صِرْتُ أَسِيرُهُ» راز تو اسیر توست، اگر آشکارش ساختی، تو اسیر آن شده‌ای. به قول جناب سعدی:

**خامشی به که ضمیر دل خویش  
به کسی گویی و گویی که: مگوی**

**ای سلیم! آب ز سرچشمه ببند  
که چو پر شد، نتوان بستن جوی**

# مهر

ارسال کننده: iighalamesghii

آیا وجوب قصر بر مسافر شامل همه نمازهای فریضه می‌شود یا اختصاص به بعضی از آنها دارد؟

ج: وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای روزانه چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشاء است و نماز صبح و مغرب قصر نمی‌شود.

نماز و روزه کسانی که به مدت معینی بیش از یک سال در شهری برای کار اقامت می‌کنند و یا سربازانی که به مدت یک یا دو سال برای انجام خدمات سربازی در شهری می‌مانند، چیست؟

ج: اگر حداقل هر ده روز یکبار به خاطر شغل شان به محل کار سفر می‌کنند، در غیر سفر اول نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است، ولی در سفر اول، حکم سایر مسافرین را دارند، یعنی تا قصد اقامت ده روز را نکرده‌اند، نماز آنان شکسته است و روزه‌شان صحیح نیست.

نماز و روزه خلبانان هواپیماهای جنگی که بیشتر روزها از پایگاه‌های هوایی‌شان اقدام به پرواز کرده و مسافتی بسیار بیشتر از مسافت شرعی را می‌پیمایند و مرتب این عمل را تکرار می‌کنند، چه حکمی دارد؟

ج: حکم آنان همان حکم سایر رانندگان و ملوانان و خلبانان هواپیماهاست، یعنی نماز آنها در سفر تمام و روزه‌شان صحیح است.

آیا قبیله‌هایی که یک یا دو ماه از قشلاق به بیلاق یا بر عکس منتقل می‌شوند، ولی بقیه سال را در بیلاق یا قشلاق به سر می‌برند، دارای دو وطن هستند؟

ج: اگر قصد نقل و انتقال همیشگی از بیلاق به قشلاق و بر عکس را دارند تا روزهایی از سال را در یکی و روزهایی را در دیگری بگذرانند و هر دو مکان را برای زندگی دائمی خود انتخاب کرده باشند، هر یک از آن دو مکان وطن آنان محسوب می‌شود و بر آنان در آن دو مکان حکم وطن جاری می‌گردد، و اگر فاصله بین آن دو به مقدار مسافت شرعی باشد، در راه سفر از یکی به دیگری، حکم سایر مسافرین را دارند.

آقای مجتبی شاکری جانباز ۷۰ درصد، عضو

شورای شهر تهران، متولد ۲۶ دی ماه ۱۳۳۷ در

تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته

اطلاعات استراتژیک از دانشگاه امام حسین (ع) برایمان از

اوضاع فرهنگی و اجتماعی دهه ۷۰ و تغییرات پرشتاب

نسبت به دهه پرحادثه ۶۰ و از مسیبان شرایط سخت

امروز انقلاب می‌گوید.

**اوضاع فرهنگی و اجتماعی اوایل دهه هفتاد چگونه بود و**

**سیاست‌های توسعه چه تاثیری روی فرهنگ و ارزش‌های مردم**

**گذاشت؟**

دهه هفتاد رمق گرفته از دهه شصت است که

شاید پرانرژی‌ترین دورانی بود که ما بعد از

پیروزی انقلاب داشتیم. دهه ۶۰ مجموعه‌ای از

رخدادها و حوادث بود، هم از لحاظ استحکام

نظام، شکل‌گیری ساختار نظام، نهادها، ساختار

دولت، مجلس و قوه قضاییه و هم از لحاظ

سطح فتنه‌هایی که برای شکست انقلاب و

شکل نیافتن ساختارها و نظامات اجتماعی مطرح

بود.

لذا ما دهه شصت را از دهه‌های به لحاظ حوادث،

میناتور، طی این سالها می‌دانیم. هم گروهک‌ها حضوری

بسیار فعال داشتند و به لحاظ داخلی تهدید می‌کردند و هم ۸ سال

دفاع مقدس را به لحاظ تهدید خارجی داشتیم. طیف شخصیت‌هایی

که در دهه شصت ریزش پیدا کردند بسیار قابل توجه است. از دولت

موقت بگریید تا آقای بنی‌صدری که فرار کرد تا قائم مقام رهبری

که آقای منتظری بود و دچار انحراف شد و رییس صدا و سیما قطب

زاده و همینطور از فرماندهان سپاه، سید مهدی هاشمی که این هم

اعدام شد و حوادثی از این دست که اتفاق افتاد. با ارتحال حضرت

امام که شاید مهمترین رخداد بعد از پذیرش قطعنامه بود ورود پیدا

کردیم به دهه هفتاد.

در دهه هفتاد سکان‌دار مجموعه انقلاب، مقام معظم رهبری است.

ما شخصیتی مثل امام را در بین خودمان نداریم و دوران دفاع مقدس

تمام شده و دولت حاکم شعار سازندگی و رفاه می‌دهد. به عبارت

دقیق‌تر شعار «مانور تجمل» که متن خطبه آقای هاشمی در ۱۸ آبان

سال ۶۸ است. یعنی در آستانه دهه هفتاد از آن خودنگهداری‌های

اقتصادی که ما در دوران دفاع مقدس داشتیم، فاصله می‌گیریم و به

صرف‌گرایی رو می‌کنیم. این شد وضعیت دولت، دولتی که بعد

از ارتحال امام اداره امور جامعه را به عهده گرفت. در همین دوران

هست که کفه به نفع سرمایه‌دارها، کسانی که صاحب امکانات

هستند برای ورود به عرصه اقتصادی پایین آمد. طوری که تولید

ثروت در چرخه قدرت قرار گرفت. جامعه از آن یکدستی که در دوران

دفاع مقدس داشت زاویه گرفت و به دو طبقه غنی و فقیر تقسیم شد و این شکاف مدام عمیق‌تر شد و کسانی که به دلیل ترس از نوع گردآوری سرمایه‌شان و همکاری که با ضد انقلاب داشتند فرار کرده بودند، برگشتند.

**چرا از پتانسیل جهادی که از زمان جنگ به ارث رسیده بود برای سازندگی استفاده نکردند و فرهنگ کار را گسترش ندادند و برای توسعه، سیاستی در پیش گرفتند که باعث شد خیلی از فراری‌ها و ضدانقلاب‌ها امید پیدا کنند و برگردند؟**

نگاه دولتی که مستقر شد این بود که ما باید به سرعت شرایط را برگردانیم؛ یعنی این عقب‌افتادگی‌هایی را که در دهه شصت وجود داشته جبران کنیم و برای اینکار یا باید استقراض خارجی کنیم و یا سرمایه‌دارانی که رفتند را برگردانیم چون در داخل، کسانی که بتوانند سرمایه‌گذاری کنند نداریم.

شيوه‌های چاپ اسکناس هم برای رونق پیدا کردن اقتصاد نمی‌تواند مشکل را حل بکند لذا هم برای وام گرفتن از صندوق بین‌المللی پول رایزنی شد و هم خود رییس‌جمهور در چند سفری که به اروپا و آمریکا داشتند از سرمایه‌داران دعوت کردند که برگردند. بازگشت سرمایه‌داران با شرط و شروطی همراه بود. آنها می‌گفتند ما برمی‌گردیم به شرط اینکه فضای فرهنگی جامعه پذیرای ما باشد. مثلا می‌خواستند مانعی برای برخی از رفتارها و بی‌بندوباری‌هایی که بطور طبیعی در بین آنها وجود داشت نباشد. می‌خواستند این شرایط در رفت و بازگشت آنها، در استفاده از امکانات فرهنگی، در حضورشان در جامعه و در تفریحات برایشان فراهم باشد.

**چند مصداق از درخواست‌هایشان را بفرمایید.**

ببینید وقتی سرمایه‌گذاری می‌خواهد سرمایه‌اش را بیاورد باید جامعه را به سمت مصرف بکشاند. نوع تیزرهای تلویزیونی که پخش می‌شود و تبلیغات محیطی که شکل می‌گیرد، همه را به مصرف بیشتر و تغییر سبک زندگی وادار می‌کند.

دوران دهه شصت دورانی بود که ما می‌گفتیم قلم‌ها را نازک بگریید و کم مصرف کنید و همین مقدار را هم که داریم شریک شویم با یکدیگر، برای اینکه هزینه‌های جنگ تامین شود. دهه هفتاد دورانی بود که ضمن دعوت از بازگشت سرمایه‌داران حفظ امنیت، آرامش و خواسته‌هایشان تضمین شد و تبلیغات جامعه به سمت مصرف‌گرایی رفت.

حتی آقای هاشمی در همان زمان در وزارت دفاع، این بحث را دنبال می‌کردند که تمام صنایع موشکی‌مان را که با زحمت و مشقت و اعمال مهندسی معکوس پیش برده بودیم تا بتوانیم به ساخت یک سری از تسلیحات برسیم، بپردازیم به سمت ساخت کالاهای مصرفی! یعنی گویا اصلا ما تهدید خارجی نداریم و خط تولید صنایع تسلیحاتی‌مان که مستقل در ساخت شده بود را بگذاریم برای اینکه تلویزیون و ماشین لباسشویی و غیره تولید کند!



**آقای هاشمی در همان  
زمان در وزارت دفاع، این  
بحث را دنبال می‌کردند که  
صنایع موشکی مان را که با  
زحمت و مشقت و اعمال  
مهندسی معکوس پیش برده  
بودیم تا بتوانیم به ساخت  
یک سری از تسلیحات برسیم،  
برند به سمت ساخت  
کالاهای مصرفی!**

۲۰۰۰ عنوان از کتاب‌های مباحث نظری هرموتیک، سکولار و مباحث تجدیدنظرطلبی و از این دست را ترجمه کردند و در جامعه منتشر کردند. شما در همین دوران می‌بینید که حلقه کیان یا حلقه سروش بسیار با قوت عمل می‌کند. خیلی از روزنامه‌ها سمت و سوی خاصی در ارائه تحلیل مسائل سیاسی و فرهنگی دارند. این همان دورانی است که کرباسچی شهردار تهران می‌شود و یکدفعه قیمت‌ها به چندین برابر بالا می‌رود و ظاهر شهر با هزینه‌های سنگین تعریف می‌شود و این هزینه‌های سنگین باعث می‌شود عوارض سنگین از مردم گرفته شود. عوارض سنگین، بالا رفتن قیمت مغازه‌ها و سرفق‌لی مغازه‌ها و شرایط پرهزینه شهرنشینی را در آن دوران تحمیل می‌کند.

### این روش کار شهرداری چه اثری روی بازسازی شهر و ارتقای فرهنگ داشت؟



آقای کرباسچی با دعوت آقای هاشمی از اصفهان آمد و مدلی را که در اصفهان عمل کرده بود یعنی شیوه تامین هزینه‌های شهر از شهروندان آنهم با قیمت‌های گزاف و فرهنگ سرمایه‌داری را در تهران دنبال کرد. ساخت و سازها، تراکم‌ها، برج‌سازی‌ها، و خیلی از مدل‌های زندگی شهری که تا قبل از مدیریت آقای کرباسچی نبود در این دوره رونق پیدا کرد. حتی فرهنگسراها که یک پدیده‌ای بود در آن زمان مقابل فعالیتی که مسجد انجام می‌داد، یعنی دوتا فرهنگ کاملاً متضاد با همدیگر، فضایی که در فرهنگسراها بود و فضایی که در مساجد شکل پیدا کرده بود و همینطور سرای محلات شکل گرفت که برنامه‌های فرهنگی آنها مورد اعتراض خیلی از متدینین و علما قرار گرفت.

### برنامه‌های فرهنگی آنها چه رویکردی داشت که مورد اعتراض قرار گرفت؟

تغییر فضا از دوران بی‌آلایش دهه شصت به مانور تجمل دهه هفتاد که در کل کشور موجب منزوی شدن ارزش‌ها و رونق پیدا کردن تجملات و ضدا ارزش‌ها شد. یعنی جایگاه ثروت، قدرت، شهرت و منزلت به نوعی دیگر در جامعه و در عرصه تولیدات جامعه تعریف شد. در پایان دوره ۸ ساله آقای هاشمی وقتی که در جلسه تودیع در خدمت مقام معظم رهبری بود، آقای بشارتی، وزیر کشور دولت، گزارشی از عملکرد دولت سازندگی یا کارگزاران را ارائه کرد که گزارش مطولی هم بود. وقتی تمام شد مقام معظم رهبری یک جمله فرمودند که همه ساخت و سازها و کارهای عمرانی که گفتید انجام شده وقتی پسندیده است که عدالت اجتماعی حاکم می‌شود! یعنی نمره‌ای که مقام معظم رهبری به اجرای عدالت اجتماعی و مبارزه با مفاسد به دولت آقای هاشمی دادند نمره بدی بود و رضایت نداشتند از این وضعیت. لذا دهه هفتاد به این ترتیب سپری شد و موجب امید دشمنان به

### یعنی کارخانه‌های ساخت موشک و تسلیحات را تغییر کاربری می‌دادند؟

بله! یعنی خط تولید را تغییر دادند. صایران حاصل همین ماجرای تغییر خط تولید است. صنایع الکترونیکی ما که چیز دیگری را تولید می‌کرد، در شرایط جدید، تلویزیون تولید می‌کند. عمده کار اینها برای تولید تجهیزات موشکی و تسلیحات نظامی بود و اصلاً برای همین سرمایه‌گذاری شدند و رفتند به سمت و سوی دیگر. در دهه شصت بسیجی‌ها طراز انسان شایسته بودند و در دهه هفتاد این آدم‌ها به حاشیه رانده شدند. قطعنامه امضا شد و گویا دیگر تاریخ مصرف جبهه و جنگ و روحیه انقلابی و اینها گذشت. شما حتی یک تغییر چهره ظاهری هم در جامعه می‌بینید که وجود دارد. دیگر ظاهر مذهبی یک ارزش محسوب نمی‌شد. چون طراز، سرمایه‌دارها شده بودند. سرمایه‌دارها با روحیات خاص خودشان، با شرکت‌ها و منشی‌ها و همکارانی که انتخاب می‌کردند، همه در همان حال و هوا بود.



شما حتی اگر فیلم‌های دهه شصت و هفتاد را نگاه کنید می‌بینید که دهه شصت، فیلم‌هایی هست که در آن قهرمان، سلحشوری و خلق حماسه وجود دارد. اما در دهه هفتاد می‌بینید کسانی که نادم از شرکت در جنگ هستند یا آسیب خورده از مقاومت هستند کسانی که همسر یا بچه شان را از دست دادند یا از دوران اسارت برگشتند و می‌بینند همسرشان ازدواج کرده و تلاشی خانواده و امثالهم وجود دارد. نوع مباحث نظری هم که شکل گرفت از همین دست بود. حدود

این شد که بتوانند از طریق هدایت جامعه، کسانی که معتقد به انقلاب و گفتمان انقلابی هستند را به سمت سقوط ببرند و اندیشه سازش را در جامعه گسترش دهند.

### چرا اعتراض متدینین به سیاست‌های دولت و شهرداری نتوانست مانع اجرای آن تغییرات شود و اعتراض آنها موثر واقع نشود؟

زمانی جامعه می‌تواند کاملاً انرژی خودش را متمرکز یک نقطه بکند که در تردید قرار نگیرد. ما واقعا هزینه‌های سنگینی دادیم از جمله برای دولت موقت. یک انقلابی تازه پیروز شده است، یک نخست وزیر موقتی بر سر کار آمده که خواسته‌هایش، افکار و اندیشه‌هایش با امام جامعه سازگار نیست و امام برای اینکه وحدت جامعه شکسته نشود نمی‌تواند آن را بیان کند؛ فقط جایی که دولت موقت با اشغال لانه جاسوسی استعفا داد، استعفایشان را پذیرفتند. رییس‌جمهور بعدی هم که آمد باز همینطور مقابل امام جامعه می‌ایستاد و برای جامعه خطر ایجاد می‌کرد. امام باید به گونه‌ای عمل می‌کرد که ضمن حفظ وحدت دچار فتنه نشویم، دچار خودزنی نشویم، نیروهای انقلاب مقابل همدیگر قرار نگیرند. این کار بسیار سخت و دشواری است. ما می‌بینیم امام بعد از گذشت ده سال در نامه ۶۸/۱/۶ یعنی حدود یکماه مانده به ارتحالشان در پاسخ به نامه منتظری گفتند والله من موافق بازرگان نبودم.

شرایط جامعه در سال ۵۸ مناسب نبود تا امام آنچه را که در درونشان بود ابراز کنند اما سال ۶۸ می‌گویند والله قسم من موافق بازرگان نبودم، والله قسم من به بنی‌صدر رای ندادم، والله قسم من مخالف انتخاب شما (منتظری) بودم. خب این خیلی کار دشواری است. این نشان می‌دهد که جامعه و خواص جامعه کشتش محدودی دارند و شاید به نقطه‌ای برسند که دیگر تهرمد بکنند یا نتوانند همراهی کنند. این را بعدها در مدلهایی که آقای هاشمی ایجاد کردند می‌دیدیم که در جامعه وجود دارد. آقای هاشمی صاحب نفوذ بودند و تا زمانی که آقای هاشمی رییس دولت بودند نگذاشتند کرباسچی که شهردار تهران بود محاکمه شود. مجلس گروه تفحصی تشکیل داده بود و گزارش تفحص از شهرداری را هم آماده کرده بود

اما تا تیم تفحص آماده می‌شد گزارش را در صحن مجلس بخواند آقای هاشمی می‌گفت اگر این را مطرح کنید می‌گویم که من شهرداری تهران را اداره کردم! یعنی یکجوری همه اعتراض مجلس و مردم را به خودشان برمی‌گرداندند و چون جامعه نمی‌خواست در مقابل یکی از یاران امام بایستد پس حمل بر صحت می‌کرد و این حمل بر صحت همینطوری باقی ماند و لذا انرژی جامعه روی یک نقطه متمرکز نمی‌شد. ما سال‌های بعد متوجه شدیم که مقام معظم

رهبری هم دیدگاه‌هایشان با دیدگاه‌های آقای هاشمی بسیار متفاوت هست. این در شرایطی بود که سالها گذشت وگرنه شاید اگر زمینه آماده نمی‌شد مقام معظم رهبری هم نمی‌توانستند مکثات قلبی خودشان را ابراز کنند.

### آیا هشدارهای صریح رهبری در آن زمان، درباره تهاجم فرهنگی در همین راستا بود؟

این نکته‌ای که می‌فرمایید، مقام معظم رهبری از بحث بسیار مهم انحرافی که در صدر اسلام و ۵۰ سال بعد از بعثت پیامبر (ص) شکل گرفت و ماجرای عاشورا و عبرت‌های عاشورا مطرح کردند. یعنی عمق قضایا را هشدار دادند که در صدر اسلام، ۵۰ سال طول کشید تا از بعثت پیامبر به نقطه قربانی کردن و قطعه قطعه کردن حضرت اباعبدالله (ع) رسیدند! فرمودند در جامعه ما ممکن است این ۵۰ سال به ۱۰ سال تنزل پیدا کند و همینطور شد. یعنی سال ۶۸ که مقام معظم رهبری سرکار آمدند با فضاهایی که ایجاد شد، بعد از ۱۰ سال، قضیه ۱۸ تیر ۷۸ اتفاق افتاد یعنی درست ۱۰ سال بعد، شعار مرگ بر رهبری دادند، عکس ایشان را پاره کردند و بعد از آنهم تعرض به ارزش‌هایی که انقلاب با خودش همراه آورده بود.

### آیا آقای هاشمی عاقدانه جامعه را از ارزش‌های انقلابی دور می‌کرد یا صرفاً براساس تصمیمات اشتباه به این سمت رفت؟

بنبید دیدگاه‌های آقای هاشمی در همان دهه اول انقلاب هم یک دیدگاه‌های ویژه‌ای بود. آقای سلیمی همین در کتاب نهادها و نهادها این مطلب را ذکر می‌کنند که حضرت امام از ابتدا موافق قائم مقامی آقای منتظری نبودند. اصرار آقای هاشمی بر این قضایا بود. همان موقع خبرگان را دعوت کردند برای اینکه به شور بنشینند و در مورد قائم مقامی رهبری صحبت کنند. درخاطرات آقای گیلانی هست؛ البته در خاطرات خود آقای هاشمی هم رگه‌هایی از آن هست- که آن زمان ایشان رفتند خدمت حضرت امام و گفتند: آقای هاشمی فراخوان زدند خبرگان بیایند و می‌خواهند قائم مقامی آقای منتظری را مطرح کنند. بعد خود آقای گیلانی به حضرت امام می‌گویند که ایشان (آقای منتظری) لیاقت این کار را ندارد و کیاست و تدبیر لازم برای اداره امور را ندارد و آدم ساده‌لوحی است. امام هم تعجب کردند از اینکه آقای هاشمی می‌خواهد این کار را بدون مشورت انجام دهد. به آقای گیلانی می‌گویند به آقای هاشمی بگویید با من تماس بگیرند و آقای گیلانی این مطلب را منتقل می‌کنند، ولی آقای هاشمی خدمت امام می‌گویند ما چون خبرگان را دعوت کردیم دیگر نمی‌توانیم بگوییم برگردند! به همین بهانه جلسه خبرگان

آقای هاشمی  
صاحب نفوذ بودند و  
تا زمانی که آقای هاشمی  
رییس دولت بودند  
نگذاشتند کرباسچی  
که شهردار تهران  
بود محاکمه شود

سیر عمل  
خودسرانه آقای  
هاشمی در قبال  
ولایت یک سابقه  
طولانی دارد.

## طیف آقای هاشمی در بُعد سیاست خارجی، مقاومت در مقابل شیطان را بی‌معنا می‌داند و یکی از انواع وادادگی‌شان، همین برجام است

بعد شرط و شروطی که برای رهبری گذاشتند و خواستند یک شورای حکمیتی در قضیه فتنه برای قضاوت قرار داده شود که مقام معظم رهبری هم فرمودند من تابع فشار نمی‌شوم و غیرقانونی هم عمل نمی‌کنم و هیچ دلیلی برای تشکیل شورای حکمیت یا گروه حکمیت وجود ندارد. یعنی سیر عمل خودسرانه آقای هاشمی در قبال ولایت یک سابقه طولانی دارد.

### اگر حرفی در این مورد باقی مانده بفرمایید.

حرف بسیار زیاد است و یکی از دغدغه‌های روزگار ما این است که چطور آن صحنه‌ها منتقل شود به فضای فکری، روحی و تصمیم‌گیری نسل جدید ما. نسل جدید باید مصادیق، آدمها و کسانی که بازیگر وقایع کشور بودند را دقیق به اسم بشناسد. بداند آنها چه کاری انجام دادند؟ چرا مذمت شدند؟ چرا مورد طرد قرار گرفتند؟ در دوره فتنه که پشت صحنه‌اش مشاوره‌های آقای هاشمی بود، شعار استقلال آزادی جمهوری ایرانی، مرگ بر اصل ولایت فقیه، نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران مطرح می‌شود. یعنی همان شعار سازش با شیطان. طیف آقای هاشمی در بُعد سیاست خارجی، مقاومت در مقابل شیطان را بی‌معنا می‌داند و یکی از انواع وادادگی‌شان، همین برجام است که می‌بینید؛ رهبری سعی کردند با ابلاغ ۲۸ بند آن را کنترل کنند.

با جستجو در بیان حضرت امام می‌بینیم مکرر ماجرای مرگ بر آمریکا را بیان می‌کنند، حتی در آخرین پیام‌های خود می‌گویند وصیت من به فرزندان بسیجی‌ام این است که بغض و کینه مقدس‌شان را نسبت به آمریکا و شیطان بزرگ در سینه‌ها حفظ کنند. ولی آقای هاشمی به صراحت اعلام می‌کند امام در این اواخر می‌خواست شعار مرگ بر آمریکا داده نشود؛ یعنی یک نسبت کذب و دروغ!

با در موضع‌گیری نسبت به بشاراسد می‌گوید او مقابل هموطن‌های خودش می‌ایستد! درواقع حمایت ایشان از کسانی که با بشار می‌جنگند در کاسه داعش ریخته می‌شود، در کاسه تکفیریها ریخته می‌شود ولی ایشان ابایی از این مطلب ندارند. برای شناخت آقای هاشمی نیازی به اطلاعات پنهان نیست و از آنچه آشکار است می‌توان به خوبی ایشان را شناخت.

با تشکر از وقتی که در اختیار نشریه قرار دادید

را برگزار کردند و قائم مقامی منتظری را تثبیت کردند. یعنی ایشان با وجود اطلاع از پیغام امام نظر خودشان را دنبال کردند.

در ماجرای جنگ هم همین‌طور است. در دوران دفاع ۸ ساله، تا آخرین لحظات، امام می‌گفتند سازش با دشمن، خیانت به رسول الله است. ولی آقای هاشمی جلسات مکرر با فرماندهان داشتند و بحث از سازش با صدام را مطرح می‌کردند و نظرشان این بود که جنگ را به پایان ببریم. ماجرای راز قطعنامه هم هنوز از موضوعات مفتوحی است که وجود دارد و در کتاب راز قطعنامه آقای غضنفری کدهای غیرقابل تردید از اطلاعات آشکار وجود دارد که نشان می‌دهد که آقای هاشمی به دنبال سازش بودند و شرایط را به نوعی رقم می‌زدند که جنگ به پایان برسد بدون اینکه ما متجاوز را تنبیه کرده باشیم و حتی از خاک خودمان بیرون کرده باشیم.

ایشان در دهه اول، سازش با غرب و پذیرش کدخدایی غرب را دنبال می‌کردند و می‌گفتند مقاومت، آب در هاون کوبیدن است. از دل این مقاومت در مقابل صدام چیزی عاید ما نخواهد شد و بچه‌های جبهه و جنگ مثل آوینی نمی‌توانستند بپذیرند سرمایه بزرگ و حیثیت‌شان این‌طور به یغما برود.

یک چنین وضعیتی را آقای هاشمی دنبال می‌کردند. حزب کارگزاران، آقای خامنه‌ای و جریان دوم خرداد را بر سر کار آورد. چون آن زمان ما حزب مشارکتی نداشتیم و حزب قدری در صحنه نبود. حزب کارگزاران بود و کارگزاران هم منسوب به آقای هاشمی.

همین الان هم ایشان مشی اعمال نظر خودشان را دنبال می‌کنند.



به عنوان مثال با وجود اینکه مقام معظم رهبری بیش از ۳۵۰ بار واژه فتنه را بکار بردند و از جفایی گفتند که اینها به حضور ۴۰ میلیونی مردم و حضور ۸۵ درصدی رای دهندگان کردند و مملکت را به خارجی‌ها فروختند اما آقای هاشمی در نقطه مقابل و از تصمیم‌سازان فتنه بودند و حتی فرزندان‌شان در این قضایا بسیار فعال بودند. نامه اعتراض‌آمیزشان که به نامه بی‌سلام معروف شد و



ما وارث آزادی کربلاییم  
بیگانه‌ی هر ذلت و تسلیم و جفاییم

بر آتش افروخته‌ی کینه خلیسیم  
هرگمشده‌ای را به ره راست دلیسیم

در هر نفسی زائر سجاده‌ی طوریم  
از نیل پُراز حیلَه همه مست عبوریم

گر بیم هلاک است به دریا همه نوحیم  
در عشق و صلابت به سرافرازی کوهیم

سرزنده و عیسی نفس و رستم دستان  
در هول و هراسند ز ما مرده پرستان

ما مَرَد وفاداری و عشقیم نه تزویر  
شیریم و نیفتیم به دام غل و زنجیر

ثابت شده پیمان شما کذب و زیون است  
چنگال شما در هوس باده‌ی خون است

یک روز به آرامش و صلحید و دگر روز  
لب تشنه‌ی جنگید و پُر از کینه‌ی جانسوز

بر خاک وطن گر ز طمع چشم بدوزید  
با وسوسه‌ی متحدان جنگ فروزید

گر پای از این کهنه گلیمت به در آید  
با رمی دلیرانه شکوهت به سر آید

با مُشت گره کرده‌ی ما حرف نگفته ست  
در خاک وطن فوج ابابیل نهفته ست

اول، گذر از پیکر صهیون پلید است  
دوم قدم لشکر ما کاخ سفید است

آنان که زره با سر انگشت ببافند  
با سنگ وطن سینه‌ی جالوت شکافند

وقت است که ظلمتکده را نور بگیرد  
شیطان جهانخواره ره گُور بگیرد

مرتضی برخوردار

دوروبر سبز است و دریامان کبود  
به به از آب و هوای بی رکود

طبق آماری که دولت می دهد  
رد شدیم از آن خرابی ها که بود

عینک دودی برایش لازم است  
هرکه بر برجام چشمش را گشود

وه چه آماری! فدای قلّه اش  
می کند هر روز بالاتر صعود

هی نگو تولید مختل مانده است  
جنس وارد می شود با این وجود

خودروی ملی اگر بی مشتری ست  
وام خودرو داد دولت زود زود

هرکجایی هم گرانی دیده ای  
دولت قبل است کم کاری نمود

یک نفر در تنگ عید مش حسن  
پرتقال انداخت، ماهی را ربود

کاملا صادر شده آن پسته ها  
توی آجیلِت اگر پسته نبود

بی شک این عیب از خود جیب شماست  
گر که بی پولی کند در آن ورود

باید از امروز مشق خود کنی:  
بی رکودیم، بی رکودیم، بی رکود

زهرا آراسته نیا

و همانقدر که تسلیم شدن بی معنی ست  
نزد ما واژه‌ی تحریم شدن بی معنی ست

دست برسینه نهادن جلوی قدرت ها  
کرنش و سرخوش تعظیم بی معنی ست

سر نبردیم چنان کبک تغفل در برف  
چونکه غفلت زده از بیم شدن بی معنی ست

خود تاریخ گواه است به پیروزی دین  
پس بخوان، منکر تقویم شدن بی معنی ست

ما همان شعب ابی طالب امروزینیم  
نزد این طایفه تحریم شدن بی معنی ست

مسعود یوسف پور



# یک راه بیشتر داریم

ارسال شده توسط: soode

همه انسانها سیاه و سفید، کوتاه و بلند، بی‌سواد و باسواد، فقیر و ثروتمند، از اول سنّ بلوغ تا آخر عمر، یک راه در زندگی بیشتر ندارند. اگر کسی بخواهد صراط مستقیم درست کند، خودش باید نماز بخواند و بگوید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» که آن هم یکی بیشتر نیست. کسانی که گفته‌اند صراط‌های مستقیم داریم، همه‌اش غلط است و فقط یکی از آنها درست است و آن هم همان است که خدا در قرآن فرمود: «أَنْ اَعْبُدُونِي»؛ در برابر من خدا که معبودم، باید همه شما به عنوان بندگی و عبودیت، به حرفم گوش بدهید.

صبح وقتی که از خواب بلند می‌شویم باید ببینیم خدا چه گفته است؟ گفته است: «نماز بخوانید.» ما باید بگوییم: «چشم.» این می‌شود صراط مستقیم. وقتی بیرون دنبال کسب و کار رفتیم- کسب و کار واجب برای نفقه زن و بچه - این می‌شود صراط مستقیم. وقتی در راه، زن‌ها را دیدیم به آن‌ها نگاه نمی‌کنیم؛ این می‌شود صراط مستقیم. وقتی می‌خواهیم حرف بزنیم، دروغ نمی‌گوییم؛ این می‌شود صراط مستقیم؛ همین. در ضمن تأمین نیازهای مادی، این راه پیاده کردنی است. زمان خاصی نمی‌خواهد؛ پول نمی‌خواهد؛ ساختمان نمی‌خواهد؛ هیچ چیز نمی‌خواهد؛ همین. ضمن آن دستور خدا این راه هم پیاده می‌شود و آدم رشد می‌کند. بنابراین عبارت « وَ اَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ » (یس/۶۱) تفسیر واضح و روشن و قابل فهم برای همه از کلمه صراط مستقیم و راه معتدلی است که خدا برای زندگی همه انسان‌ها از زمان نزول قرآن کریم به بعد دستور داده است.

همه باید تابع یک صراط باشند، آن هم در برابر فرمان خدا مطیع باشیم؛ یعنی واجبات خدا را انجام بدهیم محرمات را ترک کنیم. این اولین پله شروع حرکت بندگی است، که در صورت استمرار آن خیلی کار از آن برمی‌آید؛ فقط شروع کردن نه، ادامه‌اش؛ چون هر روز که ما اطاعت فرمان می‌کنیم یک مقدار تأثیر مثبت به نام رشد ایمان پیش می‌آید، با استمرار این اطاعت فرمانها کم‌کم ایمان زیاد می‌شود و ایمان رشد و ترقی می‌کند؛ آن وقت حجاب‌ها برطرف می‌شود و حرف‌های دیگر هم پیش می‌آید، اما به شرط اینکه شروع کنیم و بعد ادامه بدهیم.

مرحوم آیت الله خوشوقت<sup>(۵)</sup>



«از مرگ گریزی نیست،  
کسی که کشته نشود می‌میرد.  
همانا برترین مرگ، کشته شدن (در راه خدا) است،  
سوگند به آن که جان علی در دست اوست،  
هزار ضربت شمشیر آسانتر است از یک بار مردن در بستر»  
و شهادت، تاج حق گشت

چه پشت در، چه در میدان جنگ، چه در زندان و چه در میدان علم  
نسل سوم انقلاب پیامبر اعظم (ص) «شکافنده علم» بود که شهید شد  
و نسل سوم انقلاب خمینی نیز در میدان علم شهید می‌شود  
تا دیگر تاریخ تاریک غیبت تکرار نشود

